

طلوع خورشید



ماهنامه داخلی صندوق قرض الحسنه شاهد
سال اول/ شماره ۳ و ۴/ آبان و آذرماه ۱۳۹۸

در گفتگو با مدیرعامل صندوق
قرض الحسنه شاهد عنوان شد:
دستورالعمل وام‌های رفاهی
صندوق قرض الحسنه شاهد
با حضور اعضای کمیته مشورتی و
تصمیم‌گیری تشریح شد.



دکتر اسلام کریمی:

جشنواره نظام جامع پیشنهادات در سیزدهم اسفندماه
مصادف با سالروز تأسیس صندوق قرض الحسنه شاهد برگزار می‌شود.

معرفی سرمایه‌های انسانی



توریسم و جاذبه‌های توریستی



اخبار و گزارش



بایسته‌ها و دانسته‌های شغلی





صندوق قرض الحسنه شاهد

شوق خدمت رسانی با عزت افتخار ماست



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ماهنامه طلوع حسنه شاهد

سال اول، شماره سوم و چهارم

آبان و آذرماه ۱۳۹۸



صندوق قرض الحسنه شاهد

ناشر

شاهدان کوثر

نشانی

تهران، خیابان طالقانی

بین خیابان حافظ و خیابان ولیعصر

روبروی هتل انقلاب

بن بست خوشبختی

صندوق قرض الحسنه شاهد

کدپستی

۱۵۹۱۸۱۴۹۵۱

تلفن

۶۶۴۸۰۵۲۵، ۶۶۴۸۰۵۲۳

داخلی: ۱۵۱ و ۱۵۲

دورنگار

۶۶۴۶۷۵۲۹

touloehasanehshahed@gmail.com

@touloehasanehshahed

۶۶۹۵۹۰۱۸-۱۹

صاحب امتیاز

صندوق قرض الحسنه شاهد

مدیر مسئول

دکتر اسلام کریمی

سر دبیر

دکتر مجتبی عباسی قادی

دبیر اجرایی

عبدالعلی احمدزهی ترشاب

هیئت تحریریة این شماره

رضا شایهاری

مهرداد مولوی

حسن لعل زارع

عبدالعلی احمدزهی ترشاب

دکتر سمیه قاسم پور

حمیرا کریمی واحد

دکتر مجتبی عباسی قادی

اسماعیل عامری سیاهویی

نوید پیکران درخش ایسینی

ویراستار

کبری سلیمانی پیشه وری

طراحی و صفحه آرایی

حمیدرضا احمدی

فهرست مطالب

۶ سخن مدیر مسئول

۷ سخن سردبیر

اخبار و اطلاع‌رسانی

۸ اخبار و اطلاعات
مرتبط با ستاد و استان

آموزش و پژوهش

۱۲ توانمندسازی:
تعاریف، رویکردها و ابعاد

۱۸ بایسته‌ها و دانسته‌های شغلی

۲۴ قرض الحسنه و تأثیر
آن در اقتصاد مقاومتی

معرفی اعضای خانواده صندوق

۳۰ معرفي سرمايه انساني صندوق

۳۸ معرفي برترين هاي خانواده صندوق

موضوعات فرهنگي

۴۶ مسابقه و چالش فكري

۳۹ برخورداری از حمایت اجتماعی و خانوادگی

۴۷ توریسم و جاذبه های توریستی:
استان هرمزگان

۴۱ هنر و ریشه شناسی مفهومی آن

همکاران محترم، سخن این شماره در باب مزیت‌های مطالعه و خوانش است.

در مزیت این روند تأثیرگذار هر چه گفته شود، حق مطلب ادا نخواهد شد؛ چراکه پدیده مطالعه و نتایج مترتب بر آن، به اندازه خود آن اهمیت دارد. سخن‌های فراوان درباره آن گفته شده و از زوایای مختلف بررسی شده است. در این رابطه بی‌مناسبت نخواهد بود که بگوییم با توجه به عمق و وسعت دانش در عصر حاضر، فاصله بین تولید علم و دانش و دریافت‌کنندگان یا به عبارتی گیرندگان علم، به صورت تصاعدی در حال افزایش است و تنها راه حضور در عرصه علم و پیشرفت، فقط و فقط تلاش، کوشش و کسب آگاهی به معنای واقعی کلمه است و یگانه ابزار در این میدان، مطالعه و افزایش سطح آگاهی و معلومات است. از این رو، با هدف بسط و توسعه مطالعه به عنوان مفهومی کاربردی که شاید در نظر همگان به کتابخوانی مشهور باشد، به سلسله مزایا و دستاوردهای یک فرد اهل مطالعه یا به عبارتی کتابخوان اشاره خواهیم کرد و از این رهگذر، نظریات دکتر سریع‌القلم را به عنوان تکمله این مبحث مورد توجه قرار می‌دهیم:

افراد کتابخوان ویژگی‌های زیر را ندارند:

۱. خیلی راحت تحت تأثیر تبلیغات و Propaganda قرار می‌گیرند.
۲. حرف‌های تکراری می‌زنند.
۳. دایره واژگان آن‌ها بسیار محدود است.
۴. خود را نمی‌شناسند.
۵. با هیجان و احساس زندگی می‌کنند.

۶. بخش استدلالی ذهن آن‌ها تقریباً تعطیل است.
۷. استعداد پویولیس شدن را پیدا می‌کنند.
۸. قوای عقلی آن‌ها پرورش نیافته است.
۹. بر آنچه می‌گویند، خیلی کنترل ندارند.
۱۰. گوش کردن به دیگران را نمی‌آموزند.
۱۱. مستعد پذیرش شایعات هستند.
۱۲. اهمیت متفاوت بودن انسان‌ها را کشف نمی‌کنند.
۱۳. مغز، حالت سولفاته پیدا می‌کند.
۱۴. غلظت یادگیری آن‌ها به شدت کاهش می‌یابد.
۱۵. فرصت فکر کردن در زندگی را از دست می‌دهند.
۱۶. با واژه «انتقاد» بیگانه‌اند.
۱۷. زمینه‌های تداوم اقتدارگرایی را فراهم می‌آورند.
۱۸. حرف‌های نسنجیده زیاد می‌زنند.
۱۹. منافع خود را به خوبی تشخیص نمی‌دهند.
۲۰. با واژه «مشورت» ناآشنا هستند.
۲۱. باعث می‌شوند که نظام حزبی در یک کشور شکل نگیرد.

۲۲. زود عصبانی می‌شوند.
۲۳. از حقوق شهروندی خود و دیگران ناآگاه هستند.
۲۴. برای رشد فکری و شخصیتی، احساس نیاز نمی‌کنند.

۲۵. در همه زمینه‌ها اظهار نظر می‌کنند.
۲۶. راحت بر دیگران القاب می‌گذارند.
۲۷. تفاوت بین توهم و غیرتوهم را نمی‌دانند.
۲۸. تعریفشان در خصوص زندگی، از غرایز انسانی فراتر نمی‌رود.
۲۹. نمی‌دانند جهل چیست.

◀ مجتبی عباسی قادی

مدیریت زمان، اشتراک گذاری دانش، کارکرد اقتصادی، شکل گیری دولت الکترونیکی و... اشاره کرد. علاوه بر آن، می توان پیامدهای منفی همچون: فقدان جسمیت و مبتنی بر متن بودن، شکل گیری هویت های متعدد، اعتیاد اینترنتی، تغییر در ارزش ها و... را برشمرد. لذا نحوه برخورد و استفاده از این رسانه ها اهمیت پیدا می کند؛ چراکه رسانه ها در عین این که می توانند در صورت استفاده درست، ابزار بسیار مفید و سودمندی باشند، می توانند گاهی غیرمفید و گمراه کننده نیز تلقی شوند. لذا برای این که افراد جامعه بتوانند به صورتی هدفمند، فعال، منتقد و به صورت مخاطب گزینشگر در مقابل رسانه ها قرار گیرند، ناگزیر از داشتن سواد رسانه ای هستند. سواد رسانه ای؛ مهارت تجربه، تفسیر، تحلیل و پی بردن به فرایند چگونگی ساخت محصولات رسانه ای است. با برخورداری از سواد رسانه ای (از انتخاب ساده رسانه ای تا نقد متن) و رسیدن به سطح عمیق آن (فهم و تفسیر زمینه های متن)، این امکان برای مخاطب فراهم می شود که در برابر هجوم سرسام آور القای پیام های رسانه ای، هویت خود را حفظ کند. از این رو، این دسته از مخاطبان با برخورداری از سواد رسانه ای، اجازه نمی دهند که پیام های رسانه ای، آنان را کنترل کنند. آنچه در «سواد رسانه ای» می تواند مطرح باشد، آموزش مهارت های لازم برای برقراری ارتباطی متفکرانه و آگاهانه با رسانه ها و در عین حال به وجود آوردن نگاهی دقیق، نقاد و تحلیلی به پیام های رسانه ای (مکتوب، دیداری و شنیداری) است. بنابراین با توجه به اهمیت روزافزون شبکه های اجتماعی مجازی، لازم است که از یک سو فرهنگ استفاده از رسانه های نوین را بیاموزیم و از سوی دیگر در برخورد با اشکال مختلف متون رسانه ای، مجهز به سواد رسانه ای باشیم؛ تا بتوانیم از ظرفیت های این شق از رسانه های نوین بهره ببریم و از تبعات منفی آن مضمون بمانیم.

دنیای ارتباطات و تغییرات ریشه ای ناشی از آن، چنان جهان متفاوتی خلق کرده است که گروهی از نویسندگان، این تحول را در عالم ارتباطات، مبدأ عصر جدیدی می دانند. محیطی که با هر قدم، تغییرات بسیاری می کند و به واسطه حرکت شتابنده اطلاعات و تقسیم آن اطلاعات از طریق افزایش تعداد کانال ها و ابزارهای رسانه ای؛ پیام ها از طریق همه کس، همه جا و به طور مداوم منتقل و همه با اطلاعات اشباع می شوند. این واقعیت نشان دهنده فراگیر بودن و نقش بسیار مهم رسانه های جمعی در جوامع بشری امروز است که در اشکال مختلف بر دیدگاه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مردم تأثیر می گذارند و نحوه برداشت آن ها را از دنیای امروز شکل می دهند. در این میان، یکی از تأثیرگذارترین سرویس های ارائه شده در اینترنت و تلفن همراه، شبکه های اجتماعی است که به نوبه خود تحول شگرفی در نظام اجتماعی کشورهای مختلف جهان ایجاد کرده است. شبکه های اجتماعی مجازی، نسل جدیدی از وبسایت های اینترنتی هستند. در این وبسایت ها، کاربران اینترنتی حول محور مشترکی به صورت مجازی دور یکدیگر جمع می شوند و جماعت های آنلاین را تشکیل می دهند. هزاران شبکه اجتماعی در اینترنت فعالند و هرکدام بر مبنای موضوع خاصی راه اندازی شده اند. شبکه های اجتماعی زیادی با موضوعاتی از قبیل انگیزه های حرفه ای و شغلی، دوست یابی، علایق مشترک در حوزه های مختلف (سینما، ورزش، موسیقی و...)، زبان، ملیت، دین مشترک و غیره در فضای مجازی فعالند و هرکدام میلیون ها کاربر اینترنتی را جذب کرده اند. سایت های شبکه های اجتماعی در سال های اخیر جایگاه قابل توجهی در اینترنت پیدا کرده و به رده پُرپیننده ترین های فضای مجازی راه یافته اند. شبکه های اجتماعی مجازی، کارکردهای مثبت و منفی دارند؛ از جمله پیامدهای مثبت آن می توان به

برگزاری انتخابات کمیته مشورتی و تصمیم‌گیری در امورات رفاهی کارکنان صندوق قرض الحسنه شاهد

نخستین انتخابات کمیته مشورتی و تصمیم‌گیری در صندوق قرض الحسنه شاهد، در تاریخ سه‌شنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۸ برگزار شد. این کمیته قرار است در خصوص امورات و خدمات رفاهی کارکنان صندوق قرض الحسنه شاهد، مشاوره و تصمیم‌گیری کند.

نتیجه شمارش آرای منتخبان نخستین کمیته مشورتی و تصمیم‌گیری توسط نمایندگان معرفی شده از استان‌ها به شرح زیر است:

آقایان:

- ◀ محمدرضا غلامی از استان لرستان، با ۱۹ رأی، نفر اول
- ◀ روح‌الله اصغری از استان قم، با ۱۷ رأی، نفر دوم
- ◀ علی آقاملایی از استان کرمان، با ۱۶ رأی، نفر سوم
- ◀ علیرضا اشرفی از استان بوشهر، با ۱۴ رأی، نفر چهارم
- ◀ نصرت‌اله زارع از استان فارس و مهران نصرالهی از استان گیلان، با ۱۳ رأی، نفر پنجم و ششم
- ◀ امیر رضا هنرآوازی منطقه از تهران بزرگ، با ۱۲ رأی، نفر هفتم



تشریح دستورالعمل وام صندوق قرض الحسنه شاهد با حضور مدیرعامل و اعضای کمیته مشورتی و تصمیم‌گیری



نشست مدیرعامل، مشاوران و مدیران با اعضای کمیته مشورتی و تصمیم‌گیری درباره تشریح دستورالعمل وام صندوق رفاه، صبح روز سه‌شنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۸، در محل دفتر مرکزی صندوق قرض الحسنه شاهد برگزار شد.

در این جلسه با اشاره به تدوین پیش‌نویس دستورالعمل، درباره نحوه پرداخت وام‌ها با اعضای کمیته مشورتی و تصمیم‌گیری بحث و تبادل نظر شد. مدیرعامل صندوق در این زمینه اظهار داشتند: «در این زمینه مشارکت و برنامه‌ریزی و تسهیلگری مطرح بود تا درباره نحوه پرداخت وام‌ها به یک نتیجه واحد برسیم و از این رو جلسات متعددی با مدیران و مشاوران برگزار شد و در این زمینه تصمیم بر آن شد که یک دستورالعمل واحد تنظیم شود و با حضور اعضای کمیته تصمیم‌گیری درباره مزایا و معایب پیش‌نویس تهیه‌شده بحث و بررسی شود.» پس از آن آقای شاه‌بهاری به تشریح دستورالعمل وام پرداخت.

تشکیل جلسه شورای نظام جامع پیشنهادات با موضوع «جشنواره نظام جامع پیشنهادات»



دوشنبه ۱۵ مهر ۱۳۹۸، جلسه شورای نظام جامع پیشنهادات با موضوع «جشنواره نظام جامع پیشنهادات» با حضور مدیرعامل محترم صندوق قرض الحسنه شاهد، آقای دکتر کریمی و نیز اعضای شورای نظام جامع پیشنهادات، متشکل از مدیران دفتر مرکزی و نیز مشاوران مدیرعامل برگزار شد.



در این جلسه درخصوص موضوعاتی همچون: چگونگی طرح موضوعات نظام جامع پیشنهادات (به صورت بسته، نیمه‌باز و باز)، مشارکت دادن کارکنان دیگر صندوق‌ها و مراکز علمی، آموزشی و پژوهشی و نیز ترکیب اعضای کمیته علمی و اجرایی جشنواره، زمان و مکان اجرای جشنواره و در نهایت نوع جوایز اهدایی به نفرات برتر، بحث و تصمیم‌گیری شد. در انتها مقرر شد که از سوی دبیرخانه نظام جامع پیشنهادات، پروپوزال اجرایی برای جشنواره نظام جامع پیشنهادات تنظیم شود.



بنا به گفته مدیرعامل صندوق قرض الحسنه شاهد، جشنواره ملی نظام جامع پیشنهادات در سیزدهم اسفند مصادف با سالروز تأسیس صندوق قرض الحسنه شاهد برگزار می‌شود.



تعداد و مبلغ تسهیلات پرداختی به تفکیک استان مرتبط با مهرماه ۱۳۹۸

جمع مبلغ تسهیلات: ۹,۷۷۹,۲۳۷,۸۰۰,۰۰۰ ریال

جمع تعداد وام: ۵۵۶۷۵ فقره

کد استان	استان	تعداد	جمع مبلغ (ریال)
۱۰۱	(ستاد مرکزی) صندوق قرض الحسنه شاهد	۵	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۰۲	آذربایجان شرقی	۱۹۴۷	۳۵۸,۹۱۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۰۳	آذربایجان غربی	۱۹۶۹	۳۲۷,۲۲۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۰۴	اردبیل	۸۴۲	۱۴۸,۰۲۷,۰۰۰,۰۰۰
۱۰۵	اصفهان	۵۳۳۵	۹۵۱,۷۵۶,۰۰۰,۰۰۰
۱۰۶	ایلام	۱۳۰۱	۲۳۰,۴۵۱,۰۰۰,۰۰۰
۱۰۷	بوشهر	۴۱۵	۷۷,۷۵۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۰۸	تهران	۴۷۰۶	۸۵۹,۸۰۳,۱۰۰,۰۰۰
۱۰۹	چهارمحال و بختیاری	۹۶۳	۱۶۸,۳۰۸,۰۰۰,۰۰۰
۱۱۰	خراسان	۳۷۶۰	۶۹۸,۰۶۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۱۱	خوزستان	۳۲۷۷	۵۷۱,۳۴۳,۰۰۰,۰۰۰
۱۱۲	زنجان	۷۷۲	۱۳۴,۵۶۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۱۳	سمنان	۵۹۸	۱۰۴,۷۹۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۱۴	سیستان و بلوچستان	۴۱۶	۷۷,۲۱۳,۰۰۰,۰۰۰
۱۱۵	فارس	۳۵۵۹	۶۱۴,۱۵۶,۰۰۰,۰۰۰
۱۱۶	کردستان	۱۳۱۶	۲۱۵,۵۳۱,۰۰۰,۰۰۰
۱۱۷	کرمان	۲۰۰۸	۳۴۲,۷۲۲,۰۰۰,۰۰۰
۱۱۸	کرمانشاه	۲۸۱۹	۴۶۵,۹۸۷,۰۰۰,۰۰۰
۱۱۹	کهگیلویه و بویراحمد	۱۰۰۱	۱۶۹,۸۶۸,۰۰۰,۰۰۰
۱۲۰	گیلان	۲۳۸۹	۴۳۱,۴۵۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۲۱	لرستان	۱۸۸۳	۳۲۴,۷۸۴,۷۰۰,۰۰۰
۱۲۲	مازندران	۲۸۵۲	۵۱۱,۷۳۷,۰۰۰,۰۰۰
۱۲۳	استان مرکزی	۱۳۵۳	۲۳۵,۹۲۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۲۴	هرمزگان	۲۷۵	۴۷,۱۹۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۲۵	همدان	۱۷۳۵	۲۹۸,۷۶۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۲۶	یزد	۷۷۷	۱۳۷,۶۸۳,۰۰۰,۰۰۰
۱۲۷	گلستان	۱۲۹۶	۲۱۶,۶۲۴,۰۰۰,۰۰۰
۱۲۸	قزوین	۹۱۳	۱۵۶,۷۶۴,۰۰۰,۰۰۰
۱۲۹	قم	۱۴۲۱	۲۴۶,۶۲۲,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰	خراسان شمالی	۵۷۹	۱۰۰,۰۷۹,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۱	خراسان جنوبی	۳۱۶	۵۴,۱۲۶,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۲	البرز	۱۰۱۶	۱۸۴,۷۵۱,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۳	شهرستان های تهران	۱۷۶۵	۳۱۵,۲۷۲,۰۰۰,۰۰۰

توانمندسازی: تعاریف، رویکردها و ابعاد

◀ دکتر مجتبی عباسی قادی

دیباچه

با توجه به دگرگونی‌های سریع و پُرشتاب دانش و معلومات بشری، همه‌چیز به شدت در حال تغییر و تحول است. سازمان‌ها به‌عنوان یک سیستم باز، با محیط در تعامل هستند و برای تداوم حیات، نیازمند پاسخگویی به تغییرات محیطی هستند. از آن‌جا که منابع انسانی مهم‌ترین عامل و محور سازمان‌ها محسوب می‌شوند، تجهیز و آماده‌سازی منابع مزبور برای مواجهه با تغییرات، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تمام سازمان‌ها با هر نوع مأموریتی باید بیش‌ترین سرمایه، وقت و برنامه را به پرورش انسان‌ها در ابعاد مختلف اختصاص دهند (جعفرزاده، ۱۳۸۶: ۴۴ و پاک‌طینت و فتاحی‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۳). نیروی انسانی به دلیل برخورداری از قدرت اندیشه، خلاقیت و نوآوری، بزرگ‌ترین سرمایه و دارایی هر سازمانی محسوب می‌شود؛ چراکه هرگونه بهبود و پیشرفت در سیستم‌های فنی و سازمانی، از طریق نیروی انسانی صورت می‌گیرد. توان فکری و اندیشه کارکنان در سازمان‌ها، به‌عنوان سرمایه نهفته و راکد است؛ لذا هر سازمان و مدیریتی که بتواند از این سرمایه‌های نهفته بیش‌ترین استفاده را بکند، به همان اندازه امکان رشد و توسعه میسرتر خواهد شد. بر این اساس، جستجوی راه‌هایی برای افزایش کارایی و به‌کارگیری حداکثر توانایی‌های کارکنان جهت تحقق اهداف فردی، سازمانی و جامعه، یکی از موضوعات و دغدغه‌های همیشگی مدیران سازمان‌ها و صاحب‌نظران علم مدیریتی بوده است (آبتین و همکاران، ۱۳۸۸: ۱). لذا بسیاری از سازمان‌ها، راه حل این مسئله را اجرای برنامه‌های توانمندسازی تشخیص داده و تلاش کرده‌اند زمینه لازم برای پرورش کارکنان توانمند را فراهم کنند.

مفهوم توانمندسازی

تغییر در شرایط سازمان‌های عصر حاضر، منجر به تغییر در نگرش آن‌ها به نیروی انسانی شده است. در این شرایط کارکنان سازمان، ابزار موفقیت مدیر نیستند و به‌عنوان سرمایه‌های سازمان، به گردانندگان اصلی جریان کار و شرکای سازمان تبدیل شده‌اند. بنابراین داشتن صرف مهارت‌های رهبری برای مدیران کافی نیست و کارکنان نیز به آموزش روش‌های خودراهبری نیازمندند. برای دستیابی به این ویژگی‌ها، سازمان باید مهم‌ترین منبع و عامل رقابتی خود، یعنی نیروی انسانی را توانمند کند. به‌کارگیری شیوه‌های سنتی مدیریت در چنین شرایطی، منجر به از بین رفتن حس ابداع و نوآوری کارکنان، افزایش حجم کار و محدودیت برای کارکنان می‌شود. واگذاری آزادی کامل در کار نیز منجر به بی‌نظمی و لجام‌گسیختگی امور می‌شود؛ در واقع، این دو حالت منجر به هدر رفتن منابع مادی و معنوی سازمان و دست‌نیافتن به اثربخشی می‌شود. بنابراین توجه به عوامل کاهنده ناتوانی‌های کارکنان در انجام وظایف شغلی، از جمله مسائل مورد توجه برای بهبود عملکرد آنان است. ویژگی‌های فردی مانند اعتماد به نفس، خلاقیت و نوآوری، مثبت‌اندیشی و... در جهت چیرگی بر این مشکلات از اهمیت خاصی برخوردارند. دستیابی به چنین اهدافی نیازمند به‌کارگیری راهکارهای مناسب و علمی مرتبط با آن است. توانمندسازی یکی از مهم‌ترین راهکارها برای ایجاد این ویژگی‌ها در افراد بوده و عامل انگیزشی جدیدی در محیط کاری پویاست. (واعظی و سبزیکاران، ۱۳۸۹:

۱۵۴-۱۵۵)

در فرهنگ لغت آکسفورد، فعل توانمندسازی به‌عنوان «تواناساختن» تعریف می‌شود؛ تواناساختنی که به ایجاد شرایط لازم برای ارتقای انگیزش افراد در انجام وظایفشان از طریق پرورش احساس کفایت نفس منجر می‌شود (میری و سبزیکاران، ۱۳۹۰: ۵۰). در فرهنگ لغت وبستر، از توانمندسازی به‌عنوان تفویض اختیار یا اعطای قدرت قانونی به دیگران تعبیر شده است (کانگر و کانگو، ۱۹۹۸، به نقل از حسینی، ۱۳۹۱: ۴). تاریخچهٔ اولین تعریف از اصطلاح توانمندسازی^۱ به سال ۱۷۸۸ برمی‌گردد که در آن توانمندسازی را به‌عنوان تفویض اختیار در نقش سازمانی خود می‌دانستند که این اختیار بایستی به فرد اعطا یا در نقش سازمانی او دیده شود. گروف در سال ۱۹۷۱ به تعاریف رایج فرهنگ لغت از توانمندسازی اشاره می‌کند که شامل تفویض قدرت قانونی، تفویض اختیار، واگذاری مأموریت و قدرت بخشی است. در سال ۱۹۹۰ گاندز^۲ توانمندسازی را به تفویض اتخاذ تصمیم به کارکنان مفهوم‌سازی کرد، اما زیمرمن^۳ در همان زمان به سهل و ممتنع بودن ارائهٔ تعریفی از آن اشاره می‌کند و معتقد است زمانی ارائهٔ تعریفی از توانمندسازی آسان است که آن را بدون در نظر گرفتن واژه‌ای مانند در ماندگی، بی‌قدرتی و بیگانگی مورد توجه قرار دهیم. ادبیات توانمندسازی تاکنون دگرگونی‌های زیادی به خود دیده است تا این که بالآخره لی^۴ در سال ۲۰۰۱ توانمندسازی را زمینه‌ای برای افزایش گفتمان‌ها، تفکر انتقادی و فعالیت در

1. Empowerment
2. Gandes
3. Zimmerman
4. Lee

گروه‌های کوچک می‌داند و اشاره می‌کند که اجازه‌دادن به فعالیت‌هایی در جهت حرکت به سوی مبادله، تقسیم و پالایش تجربیات، تفکر، دیدن و گفتگوها، از اجزای اصلی توانمندسازی هستند (نادری، ۱۳۸۶: ۶۶ و پاک‌طینت و فتحی‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۴). توانمندسازی همچنین به معنی قدرت‌بخشیدن است. به این معنی که به افراد کمک شود تا احساس اعتماد به نفس خود را بهبود ببخشند و بر احساس ناتوانی و درماندگی‌شان چیره شوند. همچنین بدین معنی است که انگیزه درونی برای انجام یک وظیفه بسیج شود؛ یعنی این که فرصت‌هایی برای افراد فراهم شود تا نشان دهند که می‌توانند ایده‌های خوبی بیافرینند و آن‌ها را به عمل برسانند و بدون مراجعه به مسئول بالاتر، بتوانند تصمیمات کلیدی بزرگی بگیرند. فراهم آوردن منابع و ابزار لازم برای افراد به گونه‌ای که این ابزار برای آن‌ها قابل مشاهده باشد و آن‌ها را برای مصالح خود استفاده کنند، تعریف دیگری از توانمندسازی است (میری و سبزیکاران، ۱۳۹۰: ۵۰). کانگر و کانگو معتقدند هرگونه استراتژی یا تاکتیک مدیریتی که به افزایش حق تعیین سرنوشت و کفایت نفس کارکنان منجر شود، تواناسازی آن‌ها را در پی خواهد داشت. (کانگر و کانگو، ۱۹۹۸، به نقل از حسینی، ۱۳۹۱: ۴ و میری و سبزیکاران، ۱۳۹۰: ۵۰)

رویکردهای نظری توانمندسازی

رویکردهای توانمندسازی را می‌توان شامل رویکردهای ارتباطی (ساختاری)، انگیزشی و شناختی دانست.

۱. **رویکرد ارتباطی:** در رویکرد ارتباطی، توانمندسازی فرایندی است که طی آن مدیر یک سازمان، قدرت خود را با زیردستانش تقسیم می‌کند. به عبارت دیگر، در این رویکرد، توانمندسازی همان تفویض اختیار به کارکنان است. بر این اساس باردوئیک، بلاک و پیترز، توانمندی را فرایند تقسیم قدرت در بین افراد سازمان تعریف کرده‌اند (افجه و میری، ۱۳۸۸: ۵).

کانگر و کانگو (۱۹۸۸)، توانمندسازی را مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و برنامه‌ها در جهت افزایش قدرت، کنترل و اقتدار کاری کارکنان مدنظر قرار می‌دهند و بر این مبنا، زمانی در سازمان رخ می‌دهد که تغییرات ساختاری و عینی به وجود آید یا سرپرستان عملاً امکان آزادی عمل و قدرت تصمیم‌گیری کاری زیردستانشان را فراهم آورند. در این رویکرد منبع توانمندسازی، سازمان است و کارفرما (سرپرست) تغییرات موردنیاز توانمندسازی را آغاز می‌کند. (طبرسا و آهنگر، ۱۳۸۷)

۲. **رویکرد انگیزشی:** به نظر صاحب‌نظران این رویکرد، توانمندسازی ریشه در تمایلات انگیزشی افراد دارد. از این جنبه، فعل توانمندسازی به معنای «توان‌افزایی» است. توان‌افزایی عبارت است از ایجاد شرایط لازم برای ارتقای انگیزش افراد در انجام وظایفشان از طریق پرورش خودکارآمدی یا کاهش احساس بی‌قدرتی در آن‌ها (حسینی، ۱۳۹۱: ۵ و افجه و میری، ۱۳۸۸: ۵). مطابق رویکرد انگیزشی، هر راهبردی که به افزایش «حق تعیین فعالیت کاری»، «خودتصمیم‌گیری» و «کفایت نفس» کارکنان بینجامد، توانمندسازی کارکنان را به دنبال خواهد داشت (طبرسا و آهنگر، ۱۳۸۷). دیدگاه انگیزشی مبتنی بر نظرات افرادی همانند اسپریتزر (۱۹۹۵)، تلاش می‌کند تا نقطه‌نظرات کارکنان را مورد توجه قرار دهد. در این دیدگاه، توانمندسازی رویه‌هایی فراتر از رفتارهای مشهود را برای بهبود توانمندسازی به کار می‌گیرد و بر این اساس توانمندسازی (بر خود کارکنان و سازمان) مدنظر قرار می‌گیرد. مدل توانمندسازی مبتنی بر دیدگاه انگیزشی اسپریتزر (۱۹۹۵ و ۱۹۹۶)، چهار بعد توانمندسازی روان‌شناختی را بدین صورت تعریف می‌کند: احساس معنادار بودن (تناسب میان ملزومات و وظایف کاری با ارزش‌های ذهنی کارکنان)، احساس شایستگی (باور ذهنی فرد مبنی بر برخورداری از مهارت و توانایی لازم برای انجام شایسته شغل یا وظایف)، احساس

خودتعیین‌کنندگی (احساس ذهنی داشتن کنترل بر مجموعه کارهای شغلی خود) و احساس مؤثر بودن (عقیده ذهنی به اثرگذاری قابل توجه بر پیامدهای راهبردی و عملیاتی در بخش کاری خود).

۳. **رویکرد شناختی:** در رویکرد شناختی، نظریه‌پردازان این رویکرد که در رأس آن‌ها توماس و ولتهوس قرار دارند، معتقدند که توانمندسازی فرایند انگیزش درونی وظایف واگذار شده به کارکنان است و در یک مجموعه ویژگی‌های شناختی شامل «اثرگذاری، معنی‌داری، اعتماد، خودمختاری و شایستگی» متجلی می‌شود (حسینی، ۱۳۹۴: ۵ و افجه و میری، ۱۳۸۸: ۵). مطابق رویکرد شناختی، توانمندسازی «فرایند افزایش انگیزه درونی برای انجام وظایف محوله است». این فرایند به تجارب مثبتی اشاره دارد که افراد به طور مستقیم از انجام وظایفشان کسب می‌کنند. این تجارب، انگیزش درونی را برای اجرای وظایف محوله برمی‌انگیزد و سرانجام افزایش رضایتمندی را به دنبال دارد.

ابعاد و مؤلفه‌های توانمندسازی

در یکی از بهترین مطالعات تجربی انجام شده درباره توانمندسازی تا به امروز، اسپرینتر (۱۹۹۵ و ۱۹۹۶) چهار بعد را برای توانمندسازی شناسایی کرده است. وتن و کمرون^۱ (۱۹۹۸) بر مبنای پژوهش میشرا^۲ (۱۹۹۲) بعد اعتماد (احساس امنیت) را به ابعاد توانمندسازی اضافه کردند و پنج بعد کلیدی توانمندسازی روان‌شناختی به شرح ذیل تعیین شده‌اند:

۱. **احساس شایستگی:** این اصطلاح که وایت آن را ابداع کرده است، از باور فرد به قابلیت‌های خود برای انجام یک وظیفه حکایت دارد (خدییو و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۳). در ادبیات روان‌شناسی، این مفهوم به نظریه شناخت

اجتماعی (مفهوم کفایت نفس یا بلوغ فردی) آلبرت باندورا (۱۹۹۷) و مفاهیم خودکارآمدی، تسلط شخصی و انتظار تلاش عملکرد برمی‌گردد. افراد توانمند احساس شایستگی دارند و باور دارند که قابلیت‌ها و توانایی‌های لازم برای انجام موفقیت‌آمیز وظایف را دارند (عبداللهی و نوه ابراهیم، ۱۳۸۵). به بیان دیگر، احساس شایستگی در واقع احساس افراد در توانایی انجام وظایفشان با مهارت بالاست. (لالیان‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۷)

۲. **احساس داشتن حق انتخاب:** دسی و همکارانش بیان می‌کنند که افراد توانمند، احساس خودسامانی می‌کنند. در حالی که شایستگی به احساس قابلیت اشاره دارد؛ خودسامانی به احساس داشتن حق انتخاب منسوب است. خودسامان بودن به معنای تجربه احساس انتخاب در اجرا و نظام‌بخشیدن شخص به فعالیت‌های مربوط به خود است (همان، ص ۲۸). خودمختار بودن به معنی تجربه احساس انتخاب در اجرا و نظام‌بخشیدن فرد به فعالیت‌های مربوط به خود است. هنگامی که افراد به جای آن که به اجبار درگیر کاری شوند یا دست از آن کار بکشند، خود داوطلبانه و آگاهانه در وظایف خویش درگیر می‌شوند؛ احساس می‌کنند که در کارشان حق انتخاب دارند. فعالیت‌های آنان در حقیقت پیامد آزادی و اقتدار شخصی آنان است. (ابطحی و عابسی، ۱۳۸۶: ۸۶ و حسینی، ۱۳۹۱: ۵)

۳. **احساس مؤثر بودن:** احساس مؤثر بودن عبارت است از اعتقادات فرد در یک مقطع مشخصی از زمان، درباره توانایی‌اش برای ایجاد تغییر در جهت مطلوب (وتن و کمرون، ۱۳۸۱: ۲۹ و حسینی، ۱۳۹۱: ۵). گرین برگر و همکارانش^۳ (۱۹۸۹) بیان می‌کنند که افراد توانمند، کنترل شخصی بر نتایج دارند. آنان بر این باورند که می‌توانند با تحت تأثیر قرار دادن محیطی که در آن کار می‌کنند یا نتایجی که حاصل می‌شوند، تغییر

1. Whetten & Cameron
2. Mishra

3. Green Barger & et al

ایجاد کنند. توانمندشدن به افراد کمک می‌کند تا شمار فعالیت‌هایی را که می‌توانند کنترل کنند، افزایش دهند. اغلب این کار به همان مقدار که به توانایی تشخیص حوزه‌هایی بستگی دارد که در آن‌ها می‌توان از تأثیر و نفوذ برخوردار بود؛ به توانایی، اداره و تغییر محیط خارجی به منظور افزایش تسلط بر آن نیز بستگی دارد. (اورعی یزدانی، ۱۳۸۱ و لالیان‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸)

۴. احساس معنی‌داری و مهم‌بودن:

معناداربودن، فرصتی است که افراد احساس می‌کنند اهداف شغلی مهم و باارزشی را دنبال می‌کنند (عبداللهی و نوه ابراهیم، ۱۳۸۵: ۵۴ و حسینی، ۱۳۹۱: ۵). این ارزیابی، توجه به این دارد که فرد بر مبنای آرمان‌ها یا استانداردهای خود، نسبت به ارزش هدف وظیفه موردنظر چگونه می‌نگرد (خدیبوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۳). به بیان دیگر، افراد توانمند احساس معنی‌داربودن می‌کنند. آنان برای مقاصد، اهداف و فعالیت‌هایی که به آن اشتغال دارند، ارزش قایل هستند. آرمان‌ها و استانداردهایشان با آنچه در حال انجام‌دادن آن هستند، متجانس است. فعالیت در نظام ارزشیشان مهم تلقی می‌شود. درباره آنچه تولید می‌کنند، دقت می‌کنند و بدان اعتقاد دارند. بنابراین مهم‌بودن به نگرشی ارزشی معطوف است. (اورعی یزدانی، ۱۳۸۱ و لالیان‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸)

۵. احساس داشتن اعتماد به دیگران (احساس

امنیت‌کردن): افراد توانمند، حسی به نام اعتماد دارند. مطمئن هستند که با آنان منصفانه و یکسان رفتار خواهد شد. این افراد اطمینان دارند که حتی در مقام زیردست نیز نتیجه نهایی کارهایشان، نه آسیب و زیان که عدالت و انصاف خواهد بود. اعتماد به روابط بین فرادستان و زیردستان بازمی‌گردد و نیز به علاقه‌مندی، شایستگی،

گشودگی و اطمینان به دیگران مربوط می‌شود (اسپریترز و میشر، ۱۹۹۷، به نقل از حسینی، ۱۳۹۱: ۶). به بیان دیگر، احساس اعتماد به دیگران، به افراد توانایی می‌بخشد تا احساس امنیت کنند. اعتماد همچنین به طور ضمنی دلالت بر این دارد که افراد خود را در یک موقعیت آسیب‌پذیری قرار می‌دهند. با وجود این، افراد توانمند ایمان دارند که در نهایت هیچ آسیبی در نتیجه آن اعتماد متوجه آن‌ها نخواهد شد. (لالیان‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸)

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در متن نیز به آن اشاره شده است، رویکردهای توانمندسازی را می‌توان شامل رویکردهای ارتباطی (ساختاری)، انگیزشی و شناختی دانست. در رویکرد ارتباطی یا ساختاری، با قدرتمندسازی نیروی انسانی به واسطه تفویض اختیار، در رویکرد انگیزشی با توان‌افزایی و ایجاد شرایط لازم برای ارتقای انگیزش به واسطه تقویت احساس شایستگی، حق انتخاب، معنی‌داری، مؤثربودن نیروی انسانی و بالأخره در رویکرد شناختی با افزایش انگیزش درونی از طریق تقویت کفایت نفس (اعتماد و امنیت) افراد مواجه هستیم. دو رویکرد اخیر، یعنی رویکردهای انگیزشی و شناختی، بعدها تحت عنوان توانمندسازی روان‌شناختی اشتهار یافتند. لذا از منظر توانمندسازی روان‌شناختی نیروی انسانی، توانمندسازی فرایندی است که طی آن افراد از نیازها و خواسته‌های درونی خود آگاه می‌شوند، جرئت دستیابی به هدف را در خود تقویت می‌کنند، از توانایی لازم برای عملی‌ساختن خواسته‌های خود برخوردار می‌شوند و در نهایت فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند که باعث تسلط آن‌ها در تعیین سرنوشتشان می‌شود و از این طریق به احساس اطمینان و امنیت در رابطه با دیگران دست می‌یابند.

منابع

- شهروندی سازمانی، فصلنامه علمی - پژوهشی چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۳، ص ۱۰۳-۱۱۷.
- لالیان‌پور، نوشین، دوستی، ناهید، محمدزاده، آزاده (۱۳۹۰): مفهوم توانمندسازی و تعهد سازمانی کارکنان (مورد مطالعه: یک شرکت بیمه‌ای)، فصلنامه تازه‌های جهان بیمه، شماره ۱۶۳، ص ۲۴-۳۹.
- میری، عبدالرضا. سبزیکاران، اسماعیل (۱۳۹۰): بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی منابع انسانی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران (منطقه تهران)، مجله مدیریت توسعه و تحول، دوره ششم، ص ۴۰-۵۶.
- واعظی، رضا. سبزیکاران، اسماعیل (۱۳۸۹): بررسی رابطه ساختار سازمانی و توانمندسازی کارکنان در شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران (منطقه تهران)، پژوهشنامه مدیریت تحول، سال دوم، شماره سوم، ص ۱۵۳-۱۷۸.
- وتن دیوید، ای و کمرون، کیم اس (۱۳۸۱): تواناسازی و تفویض اختیار، مترجم: بدرالدین اورعی یزدانی، انتشارات مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، تهران، چاپ دوم.
- نادری، ناهید، رجایی‌پور، سعید، جمشیدیان، عبدالرسول (۱۳۸۸): مقایسه توانمندسازی روان‌شناختی کارکنان شرکت پالایش نفت اصفهان براساس نوع فعالیت، سمت و تحصیلات، مجله پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی، سال چهارم، شماره دوم، شماره پیاپی ده، ص ۳۹-۴۸.
- Spritzer, G. M., (1996), "Social Structural characteristics of psychological empowerment, Academy of Management Journal", Vol. 39, No.2, pp. 504-527.
- Spritzer, G. M., (1995), "Psychological Empowerment in Work Place, Dimensions", Measurement and Validation, the Academy Management Journal, Vol. 38, No.5, pp. 1442-1465.
- افجه، سید علی‌اکبر. میری، علیرضا (۱۳۸۸): الگوی توانمندی برای ارتقای عملکرد کارکنان صنعت قطعه‌سازی خودرو در ایران، فصلنامه علوم مدیریت در ایران، سال چهارم، شماره چهارده، ص ۱۴۹-۱۶۹.
- اورعی یزدانی، حمید (۱۳۸۱): نگرشی بر توانمندسازی، مطالعات بازرگانی، تهران، چاپ اول.
- پاک‌طینت، اقبال. فتحی‌زاده، علیرضا (۱۳۸۷): توانمندسازی کارکنان، ضرورت‌ها و راهکارها، فصلنامه مدیریت، سال پنجم، شماره ۱۱، ص ۳۳-۴۷.
- حسینی، سیده‌الهام. حسینی، سیده راحله (۱۳۹۱): توانمندسازی کارکنان: گامی به سوی ترویج و توسعه کارآفرینی در سازمان‌ها، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان، تهران، ص ۱-۱۴.
- خدیوی، اسدالله. کوشافر، علی‌اصغر. رخساره آناختون، جمیله (۱۳۹۱): ارزیابی میزان توانمندی روان‌شناختی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با استناد به مدل توماس، فصلنامه علوم تربیتی، سال پنجم، شماره ۲۰، ص ۴۹-۶۲.
- دعایی، حبیب‌اله و همکاران (۱۳۸۹): اثر توانمندسازی بر تمایل به ترک خدمت کارکنان، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال دوم، شماره ۳ و ۴، شماره پیاپی ۷ و ۸، ص ۱۲۱-۱۴۷.
- شهرکی، امیر (۱۳۸۹): نقش مدیران در توانمندسازی کارکنان، تهران، بانک سپه، اداره تحقیقات و کنترل ریسک.
- عبداللهی، بیژن و نوه ابراهیم، عبدالرحیم (۱۳۸۵): توانمندسازی کارکنان کلید طلایی مدیریت منابع انسانی، تهران، نشر ویرایش، چاپ اول.
- طبرسا، غلامعلی. آهنگر، نرگس (۱۳۸۷): توانمندسازی کارکنان: محتوا، ماهیت، روش‌ها و کارکردها، چشم‌انداز مدیریت، شماره ۲۹، ص ۵۱-۶۸.
- طبرسا، غلامعلی. رامین‌مهر، حمید (۱۳۸۹): ارائه مدل رفتار



بایسته‌ها و دانسته‌های شغلی

- ◀ مهرداد مولوی
- ◀ مصاحبه‌گر: عبدالعلی احمدزهی ترشاب

«تصور من از آینده صندوق آن است که صندوق زنده، زاینده و فزاینده است.»

مهرداد مولوی دارای مدرک کارشناسی حسابداری و در شرف کسب مدرک کارشناسی ارشد حسابداری است و از کارکنان برجسته و اسلاف صندوق قرض الحسنه به شمار می‌آید. او سالیان متمادی در مشاغل مختلف در صندوق قرض الحسنه تجارب گرانمایی اندوخته است که نمی‌توان در یک مصاحبه دو صفحه‌ای گنجانند. در حقیقت آنچه امروز بر آن تکیه زدیم و به آن می‌بالیم، از همت مردان بزرگی مانند اوست که با تلاش و مجاهدت جهادی خود، قدمی بزرگ برای خدمت به انسان‌های والای خانواده شهدا برداشته‌اند. در زیر مصاحبه‌ای از تاریخچه صندوق و اندکی از تجارب غنی این شخصیت گرانقدر و خدمتگزار خانواده شهدا را با هم می‌خوانیم.

● کمی دربارهٔ تحصیلات دانشگاهیتان توضیح

بفرمایید؟

بنده مهرداد مولوی دارای مدرک کارشناسی حسابداری از دانشگاه پیام نور دزفول هستم و تحصیلات تکمیلی را نیز در دورهٔ کارشناسی ارشد در رشتهٔ حسابداری ادامه دادم و در حال حاضر در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات مشغول انجام پایان‌نامه‌ام هستم. در مدت زمانی که در صندوق مشغول به کار بودم، در مشاغل مختلف تلمذ کردم و از رهگذر این تجارب غنی و متنوعی حاصل شد.

● چطور شد در صندوق شاهد مشغول شدید؟

بنده از سال ۱۳۷۸ افتخار خدمت به خانوادهٔ شهدا را پیدا کردم. در ابتدا آگهی‌ای را که در روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شده بود، به صورت اتفاقی دیدم که هویت خود را عنوان نکرده بوده و صرفاً بیان شده بود که مؤسسهٔ مالی است. بعد از آن که با شمارهٔ مندرج در آگهی تماس گرفتم، اعلام شد که مدارکی نظیر کپی شناسنامه، مدرک تحصیلی و... به آدرس داده شده پست شود. این مدارک به یک صندوق پستی بی‌نام ارسال شد. بعد متوجه شدم که از طرف بنیاد شهید است و صندوق در آن زمان چون هنوز هویت مستقلی از بنیاد نداشت و در دل بنیاد مستقر بود، اطمینان یافتیم که این مؤسسه وابسته به نهاد مقدس بنیاد است و این شوق و ذوق را داشتم که در کنار تحصیلم، در عمل هم خدمتی به ویژه به خانوادهٔ معظم شهدا انجام دهم. به گونه‌ای که چند ماهی را بدون بیمه و وضعیت استخدامی مشخص یا آزمایشی در آنجا سپری کردم. با گذشت چندماه، هنوز اطمینان نداشتیم از آینده و نیز این که شایستگی خدمت به خانواده‌های شهدا را دارم یا نه. با تکیه بر پشتوانهٔ فرهنگی و خانوادهٔ خود که با خدمت به خانواده‌های معظم شاهد، خود را وقف انقلاب کرده بودیم، آگاهی و اطمینان حاصل کردم و با توجه به کار فرهنگی در بنیاد شهید در کنار پدرم در

رابطه با امور تشیع شهدا و در ارتباط با خانوادهٔ شهدا و یاری خداوند، این آگاهی و ظرفیت مهیا شد. خداوند را شاکرم که این راه را در مسیر زندگی‌ام قرار داد و جرقه‌ای شد تا به صورت رسمی در صندوق قرض الحسنه شاهد خدمتم را انجام دهم و این گونه بود که مسئولان بنیاد (رؤسای صندوق در آن زمان) پس از پنج الی شش ماه درخواست و اصرار کردند که آزمایشات را انجام بدهم و تحت بیمه قرار گیرم و در صندوق مشغول شدیم.

در آن زمان که شروع به کار کردیم، صندوق قرض الحسنه شاهد در یک اتاق محدود به عرض چهارمتر و طول شش‌متر (فضای کوچک) مجاور نمازخانهٔ بنیاد شهید فعالیت می‌کرد. تعداد اعضا در آن زمان شش نفر بودیم و پایه‌گذار صندوق قرض الحسنه از نظر کارکنانی که متعلق به صندوق بودند، تلقی می‌شدیم. از این تعداد نیز سه نفر به دلایل شخصی و البته محترم، جذب وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دیگر شدند. و عملاً تعدادمان چهارنفر بود. در ابتدا امکانات و تجهیزات اداری مناسبی در اختیار نداشتیم، به طوری که میزهای کاری، حداقل استانداردهای کاری را نداشت و هنگام کار با دفاتر روزنامه، فضای اندکی بود. دو اتاق در قسمت تسهیلات بنیاد شهید بود که دو نفر از پرسنل صندوقی بودند که کارهای اداری را مدیریت می‌کردند. در این برهه بود که کار جدی‌تر شد و نیاز به نیروی بیش‌تر احساس می‌شد و فضای موجود دیگر قابل‌مانور برای کارکردن نبود. در این میان مأموریت جدیدی به صندوق هم واگذار شده بود و این بدان علت بود که مسئولان وقت آگاه شده بودند که بچه‌های صندوق توانایی کارهای بیش‌تر از حالت معمول را دارند و مأموریت جدیدی هم به مأموریت قبلی صندوق اضافه شد. بحث طرح شفا بود که اعلام شد خانواده‌های شهدا از طریق صندوق قرض الحسنه شاهد، بیمهٔ درمانی بشوند. کل کشور را با همان اندک پرسنل و امکانات محدود پوشش می‌دادیم و کار صندوق که عملاً پرداخت تسهیلات قرض الحسنه بود و علاوه بر آن کار بیمهٔ درمانی



بنیاد شهید بودند. بدین طریق با هدف تقلیل هزینه و مقرون به صرفه بودن فعالیت‌های کاری، مأموریت‌ها (از امکانات و محل‌های تأمین‌شده بنیاد در مراکز استان‌ها برای کارهای اداری و مأموریت‌ها استفاده می‌شد) هم در چهارچوب مقررات بنیاد انجام می‌گرفت. دوستان خوبی برای هم بودیم و صمیمانه باهم کار می‌کردیم. کم‌کم دوستان خوب دیگری به ما اضافه شدند و در نتیجه مسئولیت ما بیش‌تر شد، کارهای بیش‌تری انجام گرفت و به لطف خداوند و شهدا - که به اعتقادمان همیشه زنده‌اند و نظارت می‌کنند - این‌گونه بود که کارهای بیش‌تری از جمله طرحی مثل طرح شفا به ما سپرده شد و حدود چهارسال به طول انجامید و نشان از توانایی پرسنل صندوق داشت. علت این‌که این طرح خاتمه یافت، این بود که بعد از مدتی این شبهه در بین مسئولان ایجاد شد که آیا صندوق می‌تواند کار اقتصادی و مواردی مثل طرح شفا را انجام دهد؟ با استعلام‌هایی که از مراجع ذیصلاح مربوطه گرفته شد، مشخص شد

و تکمیلی خانواده‌هایی را برعهده داشتیم. به همین علت هم نیاز به فضای جدید، هم تعدادی نیروی تخصصی در بحث بیمه تأمین اجتماعی و بیمه خدمات درمانی بود و حتی پزشک هم نیاز داشتیم. در نتیجه تعدادی نیرو به ما اضافه شد و به فضای بیش‌تری نیاز بود. در آن زمان بود که ریاست محترم وقت بنیاد تصمیم گرفتند که ساختمان جدیدی را برای صندوق خریداری کردند و در نهایت به صندوق هدیه کردند که ساختمان فعلی شهید علی مازندرانی است.

● در این مدت که در صندوق فعالیت کردید، چگونه کارها پیش رفت؟

وقتی شش نفر بودیم، فرزند ناخوانده‌ای برای بنیاد قلمداد می‌شدیم. در ابتدا ورود و خروج‌ها و مأموریت‌های اداری با سیستم بنیاد یکی بود. فضای کاری برادرانه و صمیمانه‌ای بین شش نفر برقرار بود؛ چون تعداد کارکنان ما اندک بود و علاوه بر آن، مسئولان وقت، از

که اگر صندوق می‌خواهد چنین کاری انجام دهد، باید شرکت‌های دیگری را تأسیس کند. بنابراین چون هدف صندوق کسب سود نبود و صرفاً قرض الحسنه بود، این مأموریت دوباره به بنیاد برگردانده شد. در این چهارسال رضایت خانواده‌های شهدا کامل بود؛ زیرا بدون سیستم اداری پیچیده، کارها را مدیریت می‌کردیم و با اخلاص کار می‌کردیم. درحالی‌که در بنیاد شهید برای این کار مبلغی بالغ بر هفتاد یا هشتاد میلیارد تومان پیش‌بینی کرده بودند، اما کارکنان صندوق با روحیه جهادی و بسیجی و اخلاق خدمتگزاری و مدیران شایسته، این کار را با هزینه بسیار اندکی انجام می‌دادند؛ به طوری که بالغ بر پنجاه درصد از آن هزینه ذخیره شد و به این علت که ما مانند شرکت‌های بیرونی سود نمی‌خواستیم و قرض الحسنه بود.

● در بحث شغلی چه مشاغلی را تجربه کردید؟

از بدو ورود با تشخیص مدیرعامل، مدیر روابط عمومی صندوق قرض الحسنه بودم و با مدیر دفتر مرکزی همکاری می‌کردم و امورات مربوط به خانواده در اختیارم بود؛ از جمله اموری که در خصوص امور فرهنگی خانواده‌ها انجام شد: بحث پیگیری قرعه‌کشی و تجلیل از خانواده‌ها در قالب جوایز ساعت‌های دیواری مزین به آرم صندوق و قاب عکس امامان انقلاب اسلامی و تقویم و خط‌نوشته‌هایی از آیات قرآن و مقدمات کمک‌هزینه سفر به عتبات عالیات و سرزمین وحی بود. در مجتمع فرهنگی سیدالشهدا متعلق به بنیاد، دو سال هم قرعه‌کشی انجام گرفت. بعد از کار فرهنگی، به تشخیص مدیرعامل، در قسمت بازرسی و حسابرسی از استان‌ها و همچنین هماهنگی با حسابررس قانونی صندوق - که در آن مقطع مؤسسه حسابرسی مفید راهبر بود - فعالیت داشتم. در بحث بازرسی، به جهت این‌که سیستم بودجه غیرمتمرکز و استانی بود، استان‌ها به طور مستقل بودجه داشتند و ما از نزدیک بر دفاتر کل و اسناد روزنامه نظارت می‌کردیم.

چند سالی در این بخش بودم. بعد چون می‌خواستیم از نیمه‌متمرکز به متمرکز تبدیل شویم، در بحث کدنوشتن با متخصص کار کردم و به‌عنوان حسابدار کل در صندوق ادامه خدمت دادم. پس از این‌که رئیس حسابداری کل بودم، همزمان مدیرعامل درخواست کردند که در زمینه قرض الحسنه و ترویج فرهنگ آن با استفاده از احادیث و آیات قرآن براساس نظر علمای دین، کتابی گردآوری و چاپ کنیم. تفاوت قرض الحسنه و ربا استخراج شد و این‌که ربا چه پیامدها و مشکلاتی برای خانواده‌ها ایجاد می‌کند، بررسی شد و به دستور مدیرعامل، ویراستاران حرفه‌ای آن را ویرایش کردند و در گنجینه کتابخانه صندوق موجود است. هفت الی هشت سال به‌عنوان رئیس روابط عمومی فعالیت کردم و در این‌حین، به فعالیت‌های پاسخگویی به مشتریان و فعالیت‌های کمک به زلزله‌زدگان نیز پرداختیم. بعد از آن از سال ۹۱ تا ۹۷ به مدت هفت‌سال، به‌عنوان مدیر اعتبارات و تسهیلات خدمت کردم. بعد از آن در مقطع پنج‌ماهه، به تشخیص مدیریت محترم، جهت اهمیت مسائل تهران بزرگ، رئیس منطقه تهران بزرگ بودم و اکنون هم به‌عنوان مدیر بازرسی در خدمت مجموعه هستم. علاوه بر فعالیت پاسخگویی به حسابرسان مؤسسه مفید راهبر نیز مسئولیت‌هایی نظیر اخذ مجوز مجدد صندوق از بانک مرکزی در مأموریت من بوده و مصوبات صندوق مرتبط با اداره ثبت شرکت‌ها تا پایان سال ۹۷ در اختیارم بوده است.

تجاری که کسب کرده‌ام، به واسطه همکاران در صندوق بوده و درکنار آن‌ها تلمذ و شاگردی کردم. برای مثال، بحث پیگیری و ثبت شرکت‌ها را تلمذ کردیم. حتی در بحث لایحه دفاعیه برای دارایی در کنار مشاوران می‌آموختم تا جایی که در مباحث بعدی مالیاتی دست به قلم می‌شدم. همچنین در پاسخ به نهادهای نظارتی بیرونی مانند دیوان محاسبات، سازمان بازرسی و... تیم تحقیق و تفحص مجلس از بنیاد شهید، پاسخگویی امور صندوق را با تکیه بر دانش آموخته‌شده از بزرگان برعهده



مذکور براساس آن نوشته شده، آگاهی داشته باشد و چنین استانداردهایی را برای تطبیق عملکرد واقعی صندوق به کار گیرد تا انحرافات براساس تطبیق شناسایی شوند و در صورت معنادار بودن، گزارش شفافیتی به مافوق بدهد تا بتوانند به واسطه اصلاح فرایند، با جابجایی و تقویت آن، ایراد را برطرف کنند. صرفاً شناسایی یک نقطه ضعف یا یک مشکل و عدم اقدام برای رفع آن، کنترل و نظارت و بازرسی، پاسخگوی خوبی برای کار موردنظر و نیز مدیران ارشدی که از بالا مدیریت می کنند، حاصل نمی شود. بنابراین افراد علاقه مند به این حوزه، فارغ از حسابرسی مجموعه و کیفیت تعاملاتشان با آن ها، باید توجه خود را به اهداف سازمانی معطوف کنند و به نحو مطلوبی گزارش دهند؛ یعنی هنگام تطبیق استانداردها با عملکرد، هیچ گونه اعمال نظر یا اعمال نفوذی بر گزارش خود که این انحراف وجود دارد و مشاهده کرده اند، تأثیرگذار نباشد. برداشت خود را براساس مشاهده عینی

داشتیم تا مشکل حقوقی برای صندوق در آن مقاطع ایجاد نشود.

● در بحث حسابرسی و بازرسی، چه بایسته‌ها و دانسته‌های شغلی مهم و اساسی وجود دارد؟

در این بحث عزیزانی که می خواهند ورود پیدا کنند، توصیه برادرانه من، داشتن اطلاعات دانشگاهی و آکادمیکی است؛ یعنی از تئوری‌های رشته مذکور آگاهی داشته باشند و لازم است که حتماً به صورت عملی هم در کنار افراد خبره شاگردی و تلمذ کنند تا به دانش تئوری خود بیفزایند و به صورت کاربردی در جهت اهداف صندوق به کار گیرند.

برای امر حسابرسی و این که یک حسابرس خوب باشیم و اهداف صندوق را محقق سازیم یا نظارت و کنترل صحیحی داشته باشیم، حتماً باید از استانداردهای از قبل تعیین شده یا شیوه‌نامه‌هایی که استانداردهای

و براساس اطلاعات دقیق پرونده‌ها منتقل کنند. البته با پیدا کردن راهکارهایی استاندارد و مناسب، سعی در رفع شکاف‌ها داشته باشند.

● در پایان، آینده صندوق را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از نظر فرد از آینده خود بی‌خبریم. اما آنچه مسلم است این است از زمانی که به صندوق ورود کردم و آن موقع هنوز مجرد بودم، این دغدغه را داشتیم که اگر مسئولیت دیگری یعنی یک خانواده را قبول کنم، نیاز به امنیت شغلی داریم و لذا این دغدغه در همان زمان در بین کارکنان بود که در محلی که کار می‌کنیم، چگونه است و چه اتفاقی را می‌توان برای آینده‌اش متصور بود. این موضوع به ذهن همکاران متبادر می‌شد و حتی خیلی از آن‌ها به این نتیجه رسیدند که این جا آینده درخشانی نداشته باشد و جای محدودی است و بنابراین از مجموعه جدا شدند و راه دیگری را انتخاب کردند. ولی چون کار اعتقادی و انقلابی بود، ما از بدو تشکیل صندوق در خدمت خانواده‌های شاهد بودیم. این احساس برای من کم‌رنگ شده بود که چه آینده‌ای برای صندوق متصور بشوم. همیشه فکر می‌کردم تا خانواده معظم شهدا هستند، ما هم در خدمتگزاری کوتاهی نمی‌کنیم و هر موقع صندوق خاتمه یافت، فکر و شغل دیگری چاره می‌کنیم. البته به اساسنامه صندوق هم که می‌نگریستیم، می‌دانستیم که این صندوق تشکیل شد و فعالیتش نامحدود بود و محدودیت زمانی نداشت و به آینده خوشبین بودیم، همان‌طور که اکنون هستیم. الآن بالغ بر بیست‌سال از کار در این جا می‌گذرد و حدس‌مان درست بود؛ افق روشنی در انتظار صندوق است. صندوق از نظر بنده زنده، زاینده و فزاینده است. از این باب که شهدا زنده‌اند و صندوق با نیت خیر خدمت به خانواده شهدا ایجاد شده است. در نتیجه صندوق زنده است و

براساس این ملاک هرگز نمی‌میرد. پوینده است، از این حیث که مرتب مأموریت‌های جدیدی به این صندوق واگذار می‌شود. در گذشته خدمت به خانواده‌های شهدا انجام می‌گرفت، کم‌کم با فرمان مقام معظم رهبری و ادغام سه نهاد ایثارگری با محوریت بنیاد شهید، مأموریت خدمت به اعضای ایثارگر و جانبازان هم به صندوق محول شد و کار جدیدی پذیرفتیم. آینده صندوق ممکن است تغییراتی در آن ایجاد شود. به‌رحال در چهارچوب وظایف ابلاغی حرکت می‌کنیم و با درایت مدیران آگاه صندوق، هر تغییری که می‌بینیم، بهتر و بهتر می‌شود. می‌توانیم جایگاه بهتری را بین مؤسسات مالی داشته باشیم. چون بحث قرض الحسنه در صندوق مطرح است و سود نیست، برنامه‌ها و هدف‌گذاری‌هایمان این نیست که چگونه آن را به سود برسانیم، بلکه این است که چگونه خدماتمان را بهتر، آسان‌تر، مطمئن‌تر و البته با خشنودی و رضایت جامعه هدف به آن‌ها برسانیم. ما مرزهای جغرافیایی را حذف کردیم؛ در هر نقطه‌ای از کشور باشد، در محل مراجعه کند و هر کجا باشد، به نزدیک‌ترین بنیاد شهید و امور ایثارگر مراجعه و مسئله‌اش را حل کند. نکته دیگر، اصل مراجعه خادم به مخدوم است. در این جا حسب شرایط جسمی و روحی جانبازان و خانواده‌ها، ضمن هماهنگی با همکاران سراسر کشور، در محل خدمت آن‌ها حضور پیدا می‌کنیم و خدمات ارائه می‌دهیم و از تردد و هزینه اضافی جلوگیری می‌کنیم. قطعاً با درایت مدیر فعلی و پیگیری‌های همکاران و صدور مجوز بانک مرکزی، این آمادگی، توان و تعهد در وجود تک‌تک نیروهای ماست که بتوانیم جهت خدمات بیش‌تر در قالب شخصیت بانک هم خدماتمان را ارائه کنیم و ادامه بدهیم.



قرض الحسنه و تأثير آن در اقتصاد مقاومتي

◀ حسن لعل زارع

چکیده

قرض الحسنه در اقتصاد مقاومتي چه تأثيري مي تواند داشته باشد؟ اين فرضيه اي است که در اين مقاله مي خواهيم به نتيجه آن دست يابيم. قرض الحسنه تأثير مثبتی در برخی از مهم ترین مؤلفه های اقتصاد مقاومتي از قبيل عدالت اقتصادي، مردمي بودن اقتصاد، صرفه جويي در مصرف، انگيزه جهادي داشتن مسئولان، سلامت اقتصادي و حمايت از توليد ملي دارد. براي اثبات اين فرضيه، نخست تلاش شده است رابطه میان قرض الحسنه و اقتصاد مقاومتي بررسی شود، سپس هريك از موارد شش گانه فوق به طور جداگانه، به عنوان يکي از مؤلفه های اقتصاد مقاومتي توضيح داده شده است که قرض الحسنه در ايجاد آنها چه تأثيري مي تواند داشته باشد. اين مقاله به روش توصيفي و تحليلي و با استفاده از منابع کتابخانه اي و سايت های اينترنتي، به اثبات فرضيه خود پرداخته است.

واژه های کلیدی: قرض الحسنه، اقتصاد مقاومتي، سلامت اقتصادي، انگيزه جهادي، حمايت از توليد داخلي.

مقدمه

قرض الحسنه را یکی از اصل‌های قرآنی باید دانست. متأسفانه این اصل قرآنی در هیاهوی کارهای روزمره به فراموشی سپرده می‌شود. در حالی که این امر از ضروریات امروز جامعه است. یکی از کارهای خیری که به انجام آن سفارش فراوانی شده، دستگیری از نیازمندان و مستمندان است و افرادی که در مسیر رفع نیازهای دیگران گام برمی‌دارند و رضایت الهی را فراهم می‌کنند. اما متأسفانه امروز فضای کشور نسبت به توجه و عنایت به قرض الحسنه بیگانه است و این فریضة الهی در مظلومیت به سر می‌برد. مسلمانان وظیفه دارند در خصوص قرض الحسنه اهتمام ویژه‌ای داشته باشند. کسانی که به امر قرض الحسنه توجه دارند، نزد خداوند محترم هستند: در قرآن کریم آیه ۱۷ سوره تغابن داریم: «اگر به خدا قرض نیکو دهید، برای شما چندین برابر گرداند و هم از گناه شما درگذرد.» لذا بانک‌ها و مؤسساتی که در مسیر قرض الحسنه گام برمی‌دارند، باید در این راستا تلاش مستمری داشته باشند. از سوی دیگر، اقتصاد مقاومتی قدمتی طولانی دارد. در ایران طی شرایطی برای نخستین بار توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ به ادبیات اقتصاد اسلامی اضافه شد که جمهوری اسلامی در ایران در معرض فشارهای شدید تحریم اقتصادی قرار داشت. با بیانات مقام معظم رهبری، ابعاد دیگری از مفهوم اقتصاد مقاومتی روشن شد. در این بیانات بر دو مؤلفه: ۱. توانمندسازی درونی اقتصاد ۲. مقاوم‌سازی اقتصاد تأکید شده است. اقتصاد مقاومتی یعنی این که ما یک اقتصاد داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند و هم آسیب‌پذیری اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کم‌تر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت در تاریخ ۹۱/۶/۲۲)

پیشینه تحقیق

درباره پیشینه تحقیق می‌توان به برخی از مقالات در این باره به شرح ذیل اشاره کرد:
- سید علیپور (۱۳۹۴): مقاله با عنوان «بررسی قرض الحسنه و نقش آن در اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن و روایات» به این موضوع پرداخته است.
- سیف (۱۳۹۱): در مقاله خود به عنوان «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، با استفاده از اصطلاح «فربیت اقتصادی» به تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و ارائه الگو برای اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

قرض الحسنه، کلیدواژه‌ای برای تحقق اقتصاد مقاومتی

نظام مالی یک کشور و ساختار گردش پول در آن، اگر بر پایه قرض الحسنه و به دور از سودهای ربوی تنظیم شود، در آن صورت ورودی و خروجی سرمایه در آن مشخص است و قدرت مانور اقتصادی کشور افزایش خواهد یافت. قرض الحسنه علاوه بر این که سنتی خدایسندانه و منطبق بر تعالیم دینی است و منجر به برکت مال و عدم ایجاد شبهه در آن می‌شود، در مبانی و اصول اقتصاد اسلامی نیز به عنوان یک کلیدواژه مهم و مبنایی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. از سوی دیگر، زمانی که قرض الحسنه در کشور رواج یابد، سنجش نیاز افراد به پول نیز بر پایه نیازهای واقعی آن‌ها صورت می‌گیرد. در نتیجه، از اعطای بی حساب و کتاب وام‌های کلان - برای استفاده و بهره‌برداری از اهداف غیرضروری یا غیرواقعی - اجتناب می‌شود و در نتیجه این فعل و انفعال، از میزان فساد اقتصادی در کشور به صورتی جدی کاسته خواهد شد. بخش مهمی از فساد اقتصادی موجود در ساختار بانکی کشور، به دلیل عدم بهره‌گیری از نعمت و ظرفیت بزرگ «قرض الحسنه» است. در این خصوص باید این ظرفیت بزرگ را به عنوان موهبتی الهی و ظرفیتی اقتصادی

شناسایی کرد و آن را در ساختار اقتصادی و بانکی کشور گنجانده.

موضوع دیگری که باید مدنظر قرار داد، به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری اقتصاد مقاومتی و قرض الحسنه از یکدیگر باز می‌گردد. زمانی که موضوع اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، بحث قرض الحسنه نیز عینیت و اهمیت بسیاری پیدا می‌کند.

❖ قرض الحسنه، زمینه‌ساز اقتصاد پایدار

قرض الحسنه در واقع ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اقتصادی پایدار داشت. قرض الحسنه ابزاری است برای افرادی که می‌خواهند خدمتی ارائه کنند. بایستی مردم به استفاده از ابزار قرض الحسنه برای کارآفرینی ترغیب شوند و اگر به دنبال تحقق اقتصاد مقاومتی هستیم، باید کار را از قرض الحسنه آغاز کنیم. سازوکار قرض الحسنه با بانک‌ها متفاوت است و نباید نگاه‌های مادی و توقعات مادی مشابه دیگر بانک‌ها، از بانک‌های قرض الحسنه وجود داشته باشد. قرض الحسنه فقط یک نهاد اقتصادی نیستند و دامنه فعالیت آن‌ها به حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز کشیده شده است.

❖ مدیریت مصرف در اقتصاد مقاومتی همراه با

نقش قرض الحسنه

یکی از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، اشاره به رابطه اقتصاد مقاومتی و مدیریت مصرف است؛ مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف، ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید. برای تحقق استقلال اقتصادی بایستی تغییرات اساسی در الگوی مصرف انجام گیرد؛ یعنی بایستی اسراف و تبذیر که در اسلام به شدت از آن نهی شده است، از الگوی مصرف جامعه حذف شود و در استفاده از کالای ایرانی گامی بزرگ برداشته شود و تغییرات اساسی صورت گیرد تا از تولید داخل حمایت و استفاده شود. این دو،

عواملی هستند که نیاز به خارج از کشور را کاهش می‌دهد و کم‌کم به استقلال اقتصادی دست می‌یابیم.

موضوع مدیریت مصرف، یکی از ارکان مهم اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی صرفه‌جویی در مصرف و جلوگیری از اسراف و تبذیر. در این مقوله بایستی تمامی سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی و همچنین خود مردم به این مسئله توجه و اهتمام ویژه‌ای داشته باشند و به صورت جهادی به این امر مهم احترام بگذاریم تا بتوان با مدیریت مصرف درست، به استقلال اقتصادی برسیم.

❖ قرض الحسنه و اقتصاد مقاومتی همراه با

عدالت اقتصادی

برای بررسی رابطه قرض الحسنه و عدالت اقتصادی می‌توان به نقش آن در توزیع درآمد توجه کرد. از آن جا که وام‌گیرنده بخشی از درآمد قابل تصرف خود را به قرض اختصاص می‌دهد، می‌توان گفت قرض پس از تحقق توزیع درآمد به وسیله سازوکار بازار و نیز بعد از اعمال سیاست‌های مالی دولت مطرح است. اقتصاد مقاومتی عدالت‌محور است. اقتصادی که در آن علاوه بر افزایش تولید ملی، درآمد ملی هم به صورت عادلانه توزیع شود. مقام معظم رهبری در بیانات خود در آغاز سال ۱۳۹۳ چنین می‌فرمایند: «این اقتصاد، عدالت‌محور است»؛ یعنی تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌گذاری مثل رشد ملی و تولید ناخالص ملی اکتفا نمی‌کند، شاخص عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است... عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.

❖ رابطه قرض الحسنه و سلامت اقتصادی

داشتن اقتصاد سالم یکی از شروط اجرای اقتصاد مقاومتی است. بند نوزدهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه پولی،

تجاری، ارزی و... می‌پردازد؛ چون سطح بالای فساد مالی باعث ناکارآمدی سیاست‌های دولتی و همچنین باعث کاهش رشد اقتصادی کشور می‌شود.

مقام معظم رهبری درباره ارتباط سلامت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی می‌فرماید: «یکی از مؤلفه‌های سیاست‌های مقاومتی، فسادستیزی است. ما اگر می‌خواهیم مردم در صحنه اقتصاد باشند، باید صحنه اقتصادی امنیت داشته باشد. اگر امنیت می‌خواهیم، بایستی دست مفسد و سوءاستفاده‌چی و دورزدن قانون و شکننده قانون بسته شود.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۰۲)

از بیانات حضرت آقا نتیجه می‌گیریم که برخورد با مفسد اقتصادی موجب امنیت اقتصادی است برای غیرمفسدان. یکی از عوامل اقتصاد سالم، داشتن نظام درست توزیع ثروت است که در نتیجه باعث حیات و قابلیت رشد ثروت می‌شود.

❖ اقتصاد مقاومتی: تولید - اشتغال ملی

یکی از عوامل مهمی که در حوزه اقتصاد بایستی مورد توجه قرار گیرد، درون‌زایی در تولید داخلی و ارتقای سطح توان آن در کشور است؛ یعنی افزایش تولید ملی از مهم‌ترین اهداف اقتصاد مقاومتی است.

❖ اقدامات عملی اقتصاد مقاومتی

از اقدامات عملی مهم در اقتصاد مقاومتی که رهبر معظم انقلاب در سخنرانی فروردین ۹۵ به دولت پیشنهاد دادند، عبارت است از:

❖ ۱. احیا کردن تولید داخلی: امروز حدود شصت درصد از امکانات تولید ما معطل است، تعطیل است؛ بعضی‌ها کم‌تر از ظرفیت کار می‌کنند، بعضی‌ها کار نمی‌کنند؛ بایستی ما تولید را زنده کنیم، تولید را احیا کنیم.

❖ ۲. حمایت از صنایع کوچک و متوسط: الآن چندین هزار کارگاه و کارخانه متوسط و کوچک در کشور هستند. آن چیزی که در متن جامعه اشتغال ایجاد می‌کند، تحرک ایجاد می‌کند و طبقات پایین را بهره‌مند می‌کند، همین صنایع کوچک و متوسط است؛ این‌ها را تقویت کنند و پیش ببرند.

❖ ۳. خریدهای خارجی ما، قدرت تولید داخلیمان

را تضعیف نکند: فرض بفرمایید می‌خواهیم مثلاً هواپیما وارد یا خریداری کنیم؛ به ما گفته می‌شود - خود مسئولان دولتی می‌گویند - که اگر چنانچه فلان درصد از این قیمت را در صنایع داخلی هواپیما سرمایه‌گذاری کنیم، بیش‌تر از آن‌که از خارج بخریم استفاده خواهیم کرد و تولید داخلی هم رشد پیدا می‌کند. این‌که ما همه چیز را از خارج وارد کنیم و نگاه نکنیم که این خرید ما، این واردات ما چه بلایی سر تولید داخلی می‌آورد، خطاست؛ بنابراین در خریدها کاری کنیم که تولید داخلی تضعیف نشود.

❖ ۴. مدیریت منابع مالی که از بانک‌ها و مراکز

خارجی به کشور وارد می‌شود: ما پول‌هایی داریم در خارج از کشور؛ مثلاً نفت فروخته‌ایم و پولش را به ما نداده‌اند. وقتی که این پول‌های موجود ما در خارج - که حالا هر چند ده میلیاردی که هست برگشت - در مصارفی به کار نرود که این پول هدر بشود. این پولی است که وارد کشور می‌شود، کشور نیاز دارد و در درجه اول مثلاً تولید است؛ مواظب باشند این پولی که وارد می‌شود، هدر نرود، از بین نرود، صرف خریدهای بی‌مورد، کارهای بیجا و اسراف‌ها نشود.

❖ ۵. دانش‌بنیان‌شدن بخش‌های مهم

کشور: بخش نفت و گاز یا بخش تولید موتور که برای خودرو، هواپیما، قطار و کشتی مورد استفاده است - این بخش‌های حساس و مهم - دانش‌بنیان بشود. این‌که ما می‌گوییم اقتصاد این است جوان‌های ما، دانشمندان ما نشان داده‌اند که می‌توانند نوآوری کنند، می‌توانند ما

را از آن سطحی که در فناوری داریم، بالاتر ببرند. مثلاً فرض کنید که سطح موتور خودرو را با یک پیشرفت بالا ببرد که فرض کنیم مصرفش کم شود، یا موتور قطار را به فلان شکل به وجود بیاورد؛ می‌توانند. همین الآن در کشور ما بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی‌ای وجود دارند که کارهایی که انجام می‌دهند و تولید می‌کنند، یا از مشابه خارجی‌اش بهتر است یا برابر آن‌هاست؛ خب این‌ها را باید تقویت کرد.

◀ ۶. انتقال فناوری در معاملات خارجی: در همهٔ معاملات خارجی‌ای که انجام می‌دهیم، انتقال فناوری را شرط کنیم. فرض کنید اگر وسیله یا شیء تولیدی جدیدی را می‌خواهند بخرند، تولیدشده را نخرند، بلکه آن شیء را با فناوری مخصوص خودش تهیه کنند و بیاورند؛ فناوری را داخل کشور کنند.

◀ ۷. مبارزه با فساد و قاچاق: با فساد مبارزهٔ جدی شود، با ویژه‌خواری مبارزهٔ جدی شود، با قاچاق مبارزهٔ جدی شود؛ این‌ها دارد به اقتصاد کشور لطمه می‌زند و ضررش را مردم می‌برند. اگر ما در مقابل مجموعه‌ای که فرض بفرمایید با زد و بست‌هایی در زمینهٔ مسائل اقتصادی ویژه‌خواری می‌کنند، خودشان را از امتیازات ویژه برخوردار می‌کنند یا دچار فساد پولی و مالی و اقتصادی می‌شوند، سهل‌انگاری کنیم، قطعاً کشور ضرر خواهد کرد؛ نباید سهل‌انگاری بشود. دربارهٔ قاچاق هم همین‌طور است؛ مانع قاچاق بشوند. باید با قاچاق، به معنای واقعی کلمه مبارزه کنند.

◀ ۸. بهره‌وری انرژی: گفته می‌شود که اگر ما بتوانیم بهره‌وری انرژی را ارتقا بدهیم، بالا ببریم و صرفه‌جویی کنیم، صدمیلیارد دلار صرفه‌جویی خواهد شد؛ مبلغ کمی نیست، مبلغ زیادی است؛ این را جدی بگیرند. البته شنیدیم این، مصوبهٔ مجلس هم هست؛ ارتقای بهره‌برداری از انرژی، مصوبهٔ مجلس شورای اسلامی است.

◀ ۹. بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری‌های گذشته: ما در گذشته روی بعضی از بخش‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌ایم؛ از آن‌ها بهره‌برداری و استفاده شود. ما در زمینهٔ نیروگاه‌سازی در کشور سرمایه‌گذاری خوبی کردیم؛ در زمینهٔ پتروشیمی سرمایه‌گذاری خوبی کردیم. امروز کشور به نیروگاه احتیاج دارد، کشورهای دیگر هم به نیروگاه ارزانی که ما می‌سازیم، احتیاج دارند.

✳️ انگیزهٔ جهادی داشتن مسئولان در اقتصاد مقاومتی با تأکید بر قرض الحسنه
جهاد یعنی بخشش مال و جان و توان در راه اسلام. داشتن انگیزهٔ جهاد اقتصادی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های الگوی اقتصاد مقاومتی است. شعار جهاد اقتصادی رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۹۰ را نیز می‌توان در ارتباط با تعریف گفته‌شده از اقتصاد مقاومتی دانست.

مقام معظم رهبری در مقدمهٔ سیاست‌های کلی ابلاغی به صف‌آرایی دشمن در برابر ملت بزرگ ایران و تحمیل جنگ تمام‌عیار اقتصادی به ایران اشاره کرده و نقش‌آفرینی مردم و فعالان اقتصادی برای تحقق این سیاست‌ها را جهاد مقدس نامیده است و تصریح می‌فرمایند که این سیاست‌ها با رویکرد جهادی ابلاغ می‌گردد. مهم‌ترین عنصر مفهوم جهاد اقتصادی، بر خورداری از انگیزهٔ غیرمادی است؛ یعنی قرض‌دهنده، بی‌آن‌که در پی سود باشد، مدتی از تصرف در مال خویش چشم می‌پوشد.

✳️ مردمی بودن اقتصاد مقاومتی با کمک نهادهای قرض الحسنه

از بیانات مقام معظم رهبری مبنی بر نقش مردم در فعالیت‌های اقتصادی کشور که جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است، به شرح ذیل است:
«این اقتصاد مقاومتی درون‌زاست. درون‌زا یعنی چی؟ یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است متکی به

مردم. این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است و با اراده مردم، سرمایه مردم و حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است.»

البته مردمی بودن اقتصاد را بایستی با توجه به میزان دخالت دولت تعیین کرد؛ چون هدف اصلی دولت در اقتصاد جامعه، برقراری عدالت اجتماعی است. دولت می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و همچنین نظارت بر مردم دخالت داشته باشد؛ چون این امکان را دارد که افراد در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور، توانایی کافی نداشته باشند که لازم است دولت یک برنامه مدون جهت رسیدن به عدالت اجتماعی تهیه و تنظیم کند و در اختیار مردم قرار دهد. در بحث نظارت هم دولت می‌تواند در فعالیت‌های اقتصادی وارد عمل شود تا باعث مخل عدالت اجتماعی نگردد.

در باره سطح برنامه‌ریزی باید گفت که صندوق‌های قرض الحسنه به جهت نگرش خردی که دارند، توانایی لازم جهت برنامه‌های کلان را ندارند؛ به همین جهت بایستی این نهادهای قرض الحسنه را دولت ساماندهی کند تا دچار تورم در جامعه نشوند و در باب نظارت هم بایستی بانک مرکزی فعالیت‌های آن‌ها را کنترل کند.

نتیجه‌گیری

مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است. با توجه به ذهنیت فرد مسلمان نسبت به کرامت قرض گرفتن، قرض در نظر او درآمدی موقت و گذرا به شمار می‌آید، نه دائمی؛ بنابراین طبق تئوری درآمد دائمی، قرض از این جهت بر تابع مصرف فرد تأثیری نخواهد داشت. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی عدالت‌محور است. این امر مستلزم تأمین حد قابل قبول از بهره‌مندی از رفاه برای همه افراد جامعه است. نبود فساد و داشتن روابط اقتصادی سالم، یکی از اجزای اقتصاد مقاومتی

است. یکی از عواملی که می‌تواند رابطه قرض الحسنه و سلامت اقتصادی را معین کند، به رابطه این نهاد با ربا بازگشت می‌کند. از سوی دیگر، لوازم اقتصاد سالم نظام، توزیع درست ثروت و نیز حاکمیت ارزش‌های اخلاقی است. توجه به لزوم درون‌زایی در تولید ملی و ارتقای توان داخلی، اصل مهمی در اقتصاد مقاومتی است. انگیزه جهادی از مهم‌ترین مؤلفه‌های الگوی اقتصاد مقاومتی است. انگیزه جهادی در قرض الحسنه را باید مربوط به قرض‌دهنده دانست که بی‌آن که در پی سود باشد، مدتی از تصرف در مال خویش چشم می‌پوشد. اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح است، مردم‌بنیاد است؛ مردمی بودن را باید با توجه به میزان دخالت دولت تعیین کرد. دخالت دولت می‌تواند در سطح برنامه‌ریزی، نظارت و تصدیگری باشد. این سه رکن هم می‌تواند درباره نهادهای قرض الحسنه مطرح شود؛ برنامه‌ریزی، ساماندهی و نظارت بر فعالیت‌های آن‌ها، همچنین تزریق منابع قرض الحسنه جهت تأمین بخشی از نیازمندان جامعه. موضوع تصدیگری در حال حاضر که کشور در شرایط بحرانی و رکود اقتصادی به سر می‌برد، می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد.

منابع

- سیدحسن قوامی، اولین نشست اقتصاد مقاومتی پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۱.
- مهدی رجایی، طراحی ابزارهای مالی در نظام مالی بدون ربا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد.
- بهنام عرب بافرانی، نقش قرض الحسنه در اقتصاد مقاومتی، کنفرانس بین‌المللی مدیریت حسابداری و اقتصاد در دانشگاه پیام‌نور مازندران، نکا.
- محمود عبداللهی، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی قم، مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۷۱.
- بیانات مقام معظم رهبری در آغاز سال جدید ۹۵/۹۶/۹۷.
- بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان و اساتید در فروردین ۱۳۹۵.

معرفة
اعضای
خانواده
صندوق

معرفة سرمایه انسانی صندوق

احمد رضا اکبری ◀



● الف) زندگینامه فردی و خانوادگی

احمدرضا اکبری در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۴۹ در منطقه جنوب شهر تهران، در یک خانواده متدین به دنیا آمد. همان جایی که کوچه و پس‌کوچه‌هایش مملو از عشق به توپ و دروازه کوچک بود. او فرزند هشتم خانواده ده نفره است که مادرش در سال ۱۳۷۴ و پدرشان هم در سال ۱۳۸۲ به رحمت ایزدی پیوستند و در حال حاضر در شرق تهران منطقه حکیمیه سکونت دارند.

اکبری از زندگی متاهلی خود می‌گوید: «در ۲۰ خرداد ۱۳۸۰ با همسرم زهره باقری ازدواج کردم که حاصل آن، دو فرزند به نام‌های نگار شانزده‌ساله و محمدحسین ده‌ساله است که در حال تحصیل هستند. همسرم متولد ۹ آبان ۱۳۶۱ با مدرک تحصیلی کاردانی حرفه‌ای تربیت مربی و از مربی‌های نمونه مکتب القرآن استان تهران است. ایشان در تمامی طول زندگیمان، یار و یاورم بوده و در همه حال، چه در پیشرفت کاری و چه در پیشبرد اهداف شخصی من و فرزندانم، بهترین حامی برایمان بوده است.»

اکبری از علاقه بسیار به ورزش به خصوص تنیس روی میز می‌گوید: «در مسابقات داخلی صندوق جزو نفرات برتر هستیم که در سه دوره این مسابقات، دو مقام اولی و یک مقام سوم را کسب کرده‌ام و یک دوره مسابقات کشوری بنیاد به همراه تیم صندوق قرض الحسنه شاهد به مقام سوم رسیده‌ایم.» علاقه دیگر ورزشی اش شطرنج است و عنوان می‌کند: «در سه دوره متوالی مسابقات داخلی صندوق قرض الحسنه شاهد، مقام نخست را کسب کرده‌ام.»

● ب) زندگینامه شغلی

اکبری از دوران قبل از ورودش به صندوق می‌گوید: «از سال ۱۳۶۹ لغایت ۱۳۷۱ مشغول خدمت وظیفه در مناطق جنگی عین خوش، موسیان و... بودم و از سال ۱۳۷۱ لغایت ۱۳۸۴ در مرکز مطالعات و تکنولوژی جانبازان، مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره)، صندوق وام اشتغال جانبازان و صندوق وام ایثار مشغول خدمت به جامعه ایثارگری بودم و از سال ۱۳۸۴ تاکنون پس از ادغام دو صندوق ایثار و شاهد، به نام صندوق قرض الحسنه شاهد، در خدمت خانواده‌های شاهد و ایثارگران گرامی هستیم. سمت‌هایی که بنده در صندوق شاهد داشتم، در ابتدا کارمند کتابخانه، هفته‌نامه و ماهنامه دانشجوی بودم. پس از آن، مسئول دفتر ریاست صندوق و مدتی بعد از آن، فعالیتیم را با سمت مسئول اداری و پشتیبانی صندوق و همچنین در سمت کارشناس مسئول دبیرخانه و بایگانی ادامه دادم و در حال حاضر در سمت کارشناس اعتبارات و تسهیلات مشغول انجام وظیفه هستیم.»

اکبری درباره انتظاراتش می‌گوید: «یکی از دغدغه‌های شغلی من و دیگر همکاران این است که بعد از سی سال خدمت صادقانه و هنگام بازنشستگی، آسایش و آرامش اقتصادی از لحاظ تأمین هزینه‌های زندگیمان داشته باشیم. لذا با توجه به تعیین میانگین حقوق و مزایای سازمان بیمه تأمین اجتماعی نسبت به دو سال پایانی خدمت، از مسئولان استدعا دارم جهت رفع این نگرانی، تمهیداتی در خصوص افزایش حقوق دو سال پایانی مدنظر داشته باشند، تا بعد از سی سال خدمت صادقانه، تا آخر عمرمان محتاج دیگران نباشیم.»

به خصوص تحصیلات عالی به جهت پیشرفت فرزندانم هستیم. سوم، آرزوی زندگی سالم و سرشار از معنویات برای خود و خانواده‌ام از خداوند رحیم طلب می‌کنم.»

● (ر) حرف‌های خودمانی به همکاران

«من در تمام طول مدت کاری‌ام، سعی کرده‌ام صداقت و خلاقیت در همه کارهای اداری یا شخصی داشته باشم. امیدبخش‌ترین صحبتی که با همکارانم می‌توانم داشته باشم، این است که برای بهترین عملکرد باید تلاش و کوشش مضاعف داشته باشیم و همچنین صداقت جهت اطمینان کاری تا بتوانیم تمام خلاقیتمان را به کار ببریم و نواقص (هرچند کوچک) را رفع و رجوع کنیم، در جهت تسهیل روند کاری برای خانواده معزز شهدا و ایثارگران. در آخر این که بتوانیم ایرادات خود و دیگران را با همدلی مرتفع سازیم.»

«اینجانب بزرگ‌ترین کاری که انجام داده‌ام از سال ۱۳۷۱ تاکنون، مشغول خدمت به قشری از جامعه بوده که از نظر من قابل احترام هستند و خدمت به آنان برکت زندگی را چند برابر می‌کند. لذا با توجه به گذشت ۲۸ سال خدمت به این عزیزان، احساس غرور و سربلندی می‌کنم و تا آخرین لحظه عمرم از خدمت‌رسانی به این عزیزان کوتاهی نخواهم کرد.»

● سخن آخر

«اینجانب از زحمات هیئت مدیره، مدیرعامل و تمامی همکاران محترم در کلیه استان‌ها و مرکز تشکر می‌کنم و تشکر ویژه دارم از زحمات همکاران در ماهنامه طلوع حسنه شاهد که این فرصت را در اختیار بنده قرار داده‌اند. ومن ... توفیق.»



انتظار خانوادگی بنده، سفرهای زیارتی به خصوص عتبات عالیات (کربلا) است؛ لذا دعاگوی همه مسئولان صندوق قرض الحسنه شاهد که بانی این حرکت پسندیده هستند، هستیم.»

● (ج) برنامه‌های آتی و حرف‌های ناگفتنی

«در آینده، اول سلامتی خود و خانواده عزیزم را از خداوند کریم مسئلت می‌کنم. دوم، پیگیری تحصیلات



◀ نصرت‌اله زارع

۱۱ مرداد ۸۶ است. حاصل ازدواجمان دو فرزند به نام امیرمحمد در چهارم دی ۹۱ متولد و دخترم حلماجان که در ۲۳ بهمن به دنیا آمد و شیرینی زندگیمان را دوچندان کرد.»

● (ب) زندگینامه شغلی

«در مرداد ۷۸ بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه و معافیت سربازی، به‌عنوان کارشناس حسابداری در صندوق وام ایثار استان فارس شروع به کار کردم و افتخار خدمت به جانبازان و ایثارگران نصیب بنده شد. از سال ۸۱ لغایت شهریور ۸۴ (زمان ادغام صندوق شاهد و صندوق وام ایثار) در پست رئیس صندوق وام ایثار استان فارس مشغول فعالیت بودم و در تیر ۸۵ بنا به دستور و صلاحدید مدیرعامل وقت، به تهران دفتر مرکزی منتقل شدم و حدود شش‌ماه در قسمت مالی مشغول بودم و سپس با عنوان معاون امور اجرایی استان بوشهر به استان بوشهر منتقل شدم و بعد از حدود چهارسال از شهریور ۱۳۸۹ دوباره طی حکمی به سمت معاون امور اجرایی (رئیس

● (الف) زندگینامه فردی و خانوادگی

نصرت‌اله زارع، فرزند محمدکاظم، متولد ۱ خرداد ۱۳۵۶ در روستای سلطان‌آباد منطقه کربال، یکی از بخش‌های شهر شیراز است. در استان فارس به دنیا آمده و شش برادر و دو خواهر دارد. خانواده‌اش به دلیل موقعیت جغرافیایی که در آن سکونت داشتند، به کار کشاورزی مشغول بودند. در حال حاضر ایشان در شهر خوش‌آب و هوای شیراز سکونت دارند. در ادامه گفتگو، با نامبرده بیش‌تر آشنا می‌شویم.

زارع در سال ۷۴ در کنکور سراسری، دانشکده فنی و مهندسی شهید باهنر شیراز، رشته آمار پذیرفته شد و در سال ۷۶-۷۷ مدرک کاردانی‌اش را گرفت و در سال ۱۳۹۴ مدرک کارشناسی در رشته مهندسی فناوری اطلاعات را از دانشگاه علمی کاربردی شیراز اخذ کرد. زارع می‌گوید: «علاقه‌مند به ادامه تحصیل بودم، ولیکن به دلیل مشکلات مالی، موفق به ادامه تحصیل نشدم.» زارع از دوران تأهلش می‌گوید: «سالروز ازدواج با همسر عزیزم که از سادات حسینی هستند، در تاریخ



منطقه) استان فارس منصوب شدم. از آن تاریخ تاکنون در همین سمت مشغول به فعالیت هستم که به فضل الهی و تلاش و کوشش همکاران عزیزم و حمایت مدیران استان سال ۹۶، به عنوان منطقه نمونه کشوری از سوی دفتر مرکزی انتخاب شدیم. البته در خارج از وقت اداری حدود چهار سال نیز به عنوان مدیر مالی بازرگانی فدک در شیراز و مدیر مالی صندوق قرض الحسنه گلستان مشغول بودم که تجربه گرانبهایی برای بنده محسوب می شود.»

زارع درباره موانع شغلی می گوید: «در هر دوره مدیریتی، از ابتدای تأسیس و فعالیت صندوق، مشکلات عدیده ای وجود داشته است که با توجه به حمایت های هیئت محترم امانا و هیئت مدیره و تلاش های بی وقفه و شبانه روزی مدیرعامل و مدیران و کارکنان در سراسر کشور، قدم به قدم رفع شده است. ولی یکی از مشکلاتی که به نظر بنده و خیلی از همکاران وجود داشته و همچنان نیز در بسیاری از استان ها وجود دارد، به رغم این که در تمامی سمینارها و همایش ها که مدیران حضور دارند و اظهار و اذعان داشته اند که صندوق شاهد به عنوان بازوی توانمند استان ها در حل مشکلات خانواده ها و جانبازان است؛ ولیکن برخلاف این صحبت، دید بیش تر استان ها نسبت به صندوق به عنوان یک واحد غریبه است و در بسیاری از موارد صندوق شاهد دیده نمی شود یا در مواردی رفتار مناسبی در شأن و جایگاه صندوق با کارکنان صندوق نمی شود که پیشنهاد می کنم این مورد در برگزاری همایش مدیران کل استان ها عنوان شود و ان شاء الله این مشکل نیز حل و نگرانی، ناراحتی و

دلخوری همکاران از مجموعه بنیاد رفع شود.»

زارع از انتظارات فردی و شغلی خود می گوید: «دغدغه حفظ و نگهداشت نیروی انسانی برای هر سازمانی، جهت عملکرد مناسب و بهره وراثة نیروی کار و نیز عملکرد کلی سازمان، از اصلی ترین اهداف مدیریت سازمانی تلقی می شود. رضایت شغلی در صورت وجود می تواند منافع حداکثری برای حیات فردی کارکنان، گروه های شغلی و حرفه ای، سازمان ها و در نهایت کل جامعه در پی داشته باشد. عوامل عدیده ای مانند بی عدالتی در شغل، ترفیع شغلی، موانع و محدودیت های شغلی، وضوح نقش یا انتظارات مبهم شغلی، حضور مدیر یا سرپرست حامی در شغل، به عنوان عوامل مؤثر بر رضایت شغلی در نظر گرفته شده اند. بر این اساس، انتظار ترفیع شغلی، حمایت مالی – چه از لحاظ میزان حقوق و چه از نظر دیگر پرداخت ها، رعایت عدالت در ارائه خدمات رفاهی یا آموزشی نیز یکی از خواسته های بنده و دیگر همکاران است که البته این موضوع تا به حال توسط مدیرعامل محترم و دیگر همکاران به بهترین نحو صورت گرفته و انتظار می رود من بعد نیز به همین طریق ادامه یابد.»

«از آن جا که آسایش و رفاه خانواده همکاران، بی شک باعث پیشرفت و خدمات بهتر و بیش تر همکاران در محل خدمت است، همانند بیش تر همکاران در جهت تأمین مسکن مناسب، انتظار بنده نیز پرداخت وام مسکن به همکاران با آسان ترین روش و بیش ترین مبلغ در حد امکان است که ان شاء الله با تمهیداتی که مدیرعامل محترم اندیشیده اند، این امر به زودی محقق می شود.»

«موضوع بعد در خصوص برنامه های سفر و تفریحی جهت همکاران و خانواده محترم ایشان است. الحمدلله چندین سال است که با حمایت تمامی مدیران برنامه سفر اجرا شده و از این حیث تمامی همکاران و خانواده ها استفاده کافی و وافی را می برند. ولیکن پیشنهاد می شود سفر به عتبات و عالیات خارج از کشور کربلا و نجف و در صورت فراهم شدن، سفر به مکه مکرمه عمره نیز برنامه ریزی و محقق شود.»

درباره این که آیا به اهداف مدنظرتان در زندگی رسیده اید، می گوید: «بسیاری از سردرگمی ها و

افسردگی‌ها در افراد در اثر این است که هدف روشنی برای زندگی نمی‌شناسند و آفرینش و خط سیر زندگی خود را نمی‌توانند توجیه کنند. پوچ‌گرایی در اثر همین موضوع، یعنی پیچیده و مبهم تعریف شدن هدف زندگی به وجود آمده است. هدفی که منظور نظر دین و اولیای الهی است، ساختن انسان خدایی است. انسان اهداف فراوانی در زندگی خود دارد، ولی اگر بخواهد زندگی‌اش سامان درستی بیابد و به آرامش برسد، باید تمامی اهداف گوناگونش را در مسیر خاص و برای رسیدن به هدف واحدی که همانا هدف از خلقت انسان است، سازماندهی و جهت‌دهی کند. برای این منظور، نکته اساسی شناسایی هدف نهایی و اصلی آفرینش است. هدف نهایی زندگی انسان، نهادینه شدن ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و الهی در اوست. به نقل از قرآن کریم در آیه ۳۸ سوره مبارکه بقره: هدف به رنگ خدا درآمدن است. صبغه الله و من احسن من الله صبغه و نحن له عابدون. رنگ خدا و چه زیباست کسی که به رنگ خدا درآید و ما برای خدا و به رنگ خدا درآمدن، عبادت می‌کنیم.»

«بر همین اساس در پاسخ به این سؤال که تا به امروز به اهداف مدنظرمان در زندگی رسیده‌اید، باید بگوییم بنده حقیر، زندگی را بر مبنای این قرار دادم که در راه کمال حرکت کنم و راه کمال را خدمت به خلق می‌بینم که بهترین عبادت نیز همین خدمت به خلق است. در نهایت رسیدن به کمال را در فراهم آوردن امکانات آسایش و آرامش خانواده‌ام (همسر و فرزندانم) و حل مشکلات نزدیکان و ارباب‌رجوع و مردم می‌دانم که در این راه قدم برمی‌دارم. الحمدلله تا به حال به فضل و لطف الهی و آموزه‌های دینی، در این مسیر حرکت کرده و امیدوارم بتوانم در مسیر باقیمانده زندگی نیز رضایت خلق را که همان رضایت خداوند متعال است، داشته باشم.»

● (ج) برنامه‌های آتی و حرف‌های ناگفته

«بنده نیز مانند بسیاری از همکاران، اهداف و برنامه‌های متعددی برای آینده دارم که مهم‌ترین آن، فراهم آوردن امکانات آسایش و رفاه و آرامش همسر و فرزندانم از قبیل مسکن مناسب و تحصیلات و سفرهای

تفریحی، زیارتی و... است. از دیگر اهدافم، افزایش بار علمی خودم با ادامه تحصیل است. اوقات فراغت من بیش‌تر در کنار همسر و فرزندانم و شرکت در تمرینات ورزشی از جمله فوتسال، شنا و همچنین رسیدن به امور تربیتی و ورزشی فرزندانم و دید و بازدید از بستگان و اقوام و خویشان است و اگر فرصتی پیش بیاید، مطالعه کتاب‌های تاریخی، دینی و رمان.

از بزرگ‌ترین افتخارات بنده این بود که در مجموعه بنیاد و صندوق، با مینا قراردادان راستی، درستی و نظم در کار، مشغول خدمت به خانواده‌های معظم شاهد و جانبازان و آزادگان عزیز بوده‌ام. برای بنده نیز مانند بسیاری از همکاران دیگر، موقعیت‌های کاری بیرون از بنیاد و صندوق پیش آمده که به دلیل عشق خدمت به جامعه ایثارگری به این موقعیت‌ها پشت‌پا زدیم. البته این را بگویم که برکت کارکردن در مجموعه‌ای که فعالیتش بر مبنای قرض الحسنه است و قرض الحسنه حتی بر انفاق و صدقه نیز برتری دارد و آیات و روایات اسلامی نشان از فضیلت و اجر دنیوی و اخروی این امر حسنه دارد تا آن‌جا که خدای سبحان اعطای قرض الحسنه را هم‌ردیف قرض دادن به خود دانسته و بشریت را در این راه تشویق و ترغیب کرده است، آن قدر بوده که ارزش این پشت‌پازدن به موقعیت‌های دیگر را دارد.

در پایان آرزوی سلامتی، شادکامی و موفقیت برای تمامی همکارانم و خانواده‌های محترم ایشان در سراسر کشور دارم. حقیر کوچک‌تر از آنم که بخواهم کسی را نصیحت کنم، ولی جهت یادآوری خودم این را می‌گویم که باید همیشه در زندگی مردم‌دار باشیم. اگر موقعیتی بالاتر برایمان پیش آمد، گذشته خود را فراموش نکنیم و برعکس باید تواضعمان بیش‌تر شود. در آینده و بعد از ما، فقط خوبی یا خدای نکرده بدی‌های ما در خاطر می‌ماند. در پایان جا دارد از تلاش و توجه و حمایت‌های مدیرعامل محترم که انصافاً از زمان حضور ایشان در تمامی حوزه‌ها به‌خصوص حوزه رفاهی کارکنان اقدامات بسیار خوبی صورت گرفته و همچنین در این خصوص از نظر پیشنهادات یا حتی انتقادات احتمالی کارکنان نیز با خوشرویی و سعه صدر استقبال می‌کنند، تقدیر و تشکر نمایم.»



◀ علی آقاملایی

● (ب) زندگینامه شغلی

«دی ماه ۷۸ به خدمت سربازی ارتش رفتم و پس از گذراندن آن، یک ماه بعد در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۲۰ به عضویت در خانواده صندوق شاهد درآمدم. از بدو استخدام تا تاریخ ۱۳۹۳/۱/۲۰ به عنوان کارشناس مالی بودم و از تاریخ ذکرشده به بعد، در سمت رئیس منطقه کرمان منصوب شدم. در سال ۹۷ با کمک خداوند و تلاش همکارانم، موفق به کسب رتبه دوم کشور در بین ۳۲ استان شدیم.»

آقاملایی از تجاربش می گوید: «از هفت سالگی در بازار مشغول به کار و فعالیت بودم؛ چرا که مرحوم پدرم اعتقاد داشت بچه نباید بیکار بماند و بایستی کمک احوال خانواده باشد. به نوعی هم کار می کردم و هم درس می خواندم. پدرم مغازه کفش فروشی داشت و از هفت سالگی مرا با خود به مغازه می برد و اصول کسب و کار را از ایشان آموختم. بعد از مدت کمی مستقل شدم و دکه فروش تنقلات و... را اداره می کردم.»

صنوف مختلفی را تجربه کردم؛ از جمله مکانیکی، کار در کافه و رستوران، مبل فروشی، مرغ فروشی، فروش لوازم خانگی و... به کارهای فنی علاقه زیادی دارم؛ به خصوص این که برق کشی ساختمان را کامل بلدم و کباب حرفه ای درست می کنم، خارج از تصور شما! خلاصه این که من

● (الف) زندگینامه فردی و خانوادگی

علی آقاملایی، متولد ۲ مرداد ۱۳۵۹ در کرمان است. او فرزند سوم یک خانواده هشت نفره است. مادرش خواهر دو شهید و انسانی زحمتکش و عاشق اهل بیت است و از علاقه بی حد و حصرش به مادرش می گوید: «تمام هست و نیست زندگی ام را مدیون مادرم هستم. سال ۷۸ در اول جوانی، پدرم را از دست دادم و بعد از آن ایشان برای ما هم پدر بود و هم مادر.» در ادامه گفتگو پیش تر با ایشان آشنا می شویم.

آقاملایی در خرداد ۱۳۷۸ موفق به اخذ مدرک کاردانی در دانشگاه میناب شد و در بهمن ۱۳۹۰ دانشگاه علمی کاربردی جهاد دانشگاهی، موفق به اخذ مدرک لیسانس حسابداری شد.

آقاملایی از تأهل خود می گوید: «در دوم خرداد ۱۳۸۵ ازدواج کردم. همسرم خانه دار است. انسانی مؤمن و بسیار قانع که از خودگذشتگی و محبت های همیشگی ایشان، باعث آرامش و پیشرفت من در زندگی بوده است. دو تا دختر دارم به نام فاطمه متولد ۱۳۸۷/۲/۵ که استعداد خوبی در نقاشی دارد و ساره خانم متولد ۱۳۹۷/۵/۲ است.» درباره نسبت اینارگری می گوید: «نسبت درجه یک ندارم، اما خواهرزاده دو شهید هستم، به نام شهید غلامحسین و حجت اله آقاملایی.»

نتیجه‌ها دیده‌ام. همه سعی و تلاشم را می‌کنم تا آرامش و رضایت خانواده‌ام را حاصل کنم و خوشبختی دخترانم و عاقبت‌به‌خیری ایشان را از خداوند می‌خواهم و در این زمینه تلاش خواهیم کرد.»

درباره این که آیا به همه هدف‌هایتان رسیده‌اید، می‌گوید: «به لطف و یاری خداوند و مدد اهل بیت و با پشتکار فراوان، تا این لحظه به هر چه که اراده کرده‌ام، رسیده‌ام. فقط یکی دوتا موضوع کوچک هست که ان‌شاءالله آن هم محقق خواهد شد. چندان دربند مادیات نیستم و بیش‌تر به آرامش اهمیت می‌دهم تا تجملات.»

● (ج) برنامه‌های آتی و حرف‌های ناگفته

«در مقطع فعلی، رتق و فتق بدهی‌هایی که بابت خرید منزل برایم فراهم شده، در اولویت امور قرار دارد.»
«سخن با همکاران عزیزم: این که همیشه و در همه حال خدا را فراموش نکنیم و به شدت از حق الناس پرهیز کنیم و بدانیم که مسیر سعادت دو دنیا، از شاهراه عشق به امام حسین (ع) و عمل به دستورات ایشان می‌گذرد و لاغیر.»

«درباره بزرگ‌ترین کاری که تا الآن انجام داده‌ام و به آن افتخار می‌کنم، این که حقیر به کمک خداوند، زندگی‌ام را از صفر تا الآن با تلاش و کوشش شخصی و بدون دریافت ریالی کمک‌مالی از احدی ساختم و این خیلی برای خودم مایه سربلندی است. اما یک مورد خاص هست که ذکر می‌کنم: سال ۹۱ توفیق دست داد و به‌عنوان خدمه به مکه و مدینه مشرف شدم. به مدت ۳۸ روز در مدینه و در قسمت رستوران هتل، مسئول توزیع غذا بودم و هر وعده تقریباً به ۳۵۰ نفر سرویس داده می‌شد. سختی و شدت کار فراتر از تصور بود، اما خدمت به زوار پیامبر، بسیار شیرین و لذت‌بخش بود و تنها کاری که به جرئت می‌توانم بگویم در همه عمر به خوبی و تمام و کمال انجام دادم و همیشه از آن رضایت دارم، این موضوع بوده است.»

«در پایان تشکر فراوان دارم از مدیرعامل محترم، جناب آقای دکتر کریمی که از زمان حضور ایشان در این مجموعه، پیشرفت مستمر در امور را شاهد هستیم.»



شاید اشتباهی کارمند شدم و در کسب و کار بازار شاید پیشرفت بهتری می‌کردم. زمانی در مغازه مبل فروشی کار می‌کردم و کلاس سوم راهنمایی بودم و صاحب مغازه که استعدادم را در مسائل اقتصادی می‌دید، خیلی اصرار کرد که حتماً درس‌م را ادامه بدهم و در رشته‌های حسابداری و مالی یا اقتصاد ادامه تحصیل بدهم. همین موضوع باعث شد که به سمت رشته حسابداری گرایش پیدا کنم و الآن که در خدمت دوستان هستم. به ورزش به خصوص فوتبال علاقه بسیاری دارم. سال ۹۳ به همراه تیم فوتسال صندوق شاهد در مسابقات منطقه‌ای کشور در کرمانشاه رتبه دوم را کسب کردم. سال ۹۴ در مسابقات دو و میدانی کشوری بنیاد شهید با تیم صندوق شاهد شرکت کردم و در مسابقات دو ۴۰۰ متر موفق به کسب مقام سوم شدم.»

و از موانع شغلی این‌گونه می‌گوید: «عمده مشکل در سیستم صندوق شاهد، عدم وجود انگیزه پیشرفت برای پرسنل است و اگر به مانند دیگر سازمان‌ها مراحل ترقی به صورت چند پله‌ای باشد، قطعاً نیروی کار انگیزه بیش‌تری خواهد داشت.»

آقاملابی درباره انتظارانش می‌گوید: «در بعد فردی چند برنامه در دست اقدام دارم و بسیار تلاش می‌کنم تا به موفقیت دلخواه برسم. از لحاظ شغلی بالاترین سطح پیشرفت در استان، همین موقعیت فعلی است و جای بیش‌تری ندارد؛ لیکن همه تلاشم را بر کیفیت کار گذاشته‌ام و اول از همه رضایت خداوند برایم مهم است و بعد از آن، رضایتمندی جامعه هدف. به دعای خیر والدین عزیز شهدا اعتقاد عجیبی دارم و از آن

برترین‌های خانواده صندوق

◀ غزل طیبی منش

فرزند مسعود طیبی منش، از کارکنان استان فارس



غزل جان متولد ۱۳۸۲ است. از دوران کودکی علاقه خاصی به ورزش داشت و از چهارسالگی شطرنج را شروع کرد، البته نه به صورت حرفه‌ای بلکه برای پُرکردن اوقات فراغت. غزل می‌گوید: «کم‌کم آن قدر به این رشته علاقه‌مند شدم که آن را به صورت جدی ادامه دادم و بعد از سه‌ماه گذراندن

دوره آموزشی، در اولین مسابقه استانی زیر هشت سال توانستم مقام قهرمانی را به دست آورم. بعد از مسابقه، روزهای اوج من در شطرنج بود که با تشویق مربی و خانواده، انگیزه‌ام روز به روز بیش‌تر می‌شد. این برای من بسیار دلنشین بود که در اولین مسابقه‌ام بتوانم قهرمان شوم. بعد از هفت‌سال تلاش و کسب مقام‌های مختلف، تصمیم گرفتم کمی به خودم در شطرنج استراحت بدهم و بیش‌تر وقتم را روی درسم بگذارم. بعد از سه‌سال دوباره سراغ شطرنج رفتم. با این‌که مدت زیادی از تمرینم می‌گذشت، در اولین مسابقه‌ای که بعد از سه‌سال شرکت کردم، توانستم مقام دوم استان را کسب کنم. بعد از مسابقه‌های متعدد، با خودم قرار گذاشتم که دیگر شطرنج را رها نکنم و به آکادمی خوبی بروم تا باعث پیشرفت دوچندان من شود. بعد از دوماه حضور در آکادمی، در مسابقه‌های استانی دختران زیر شانزده‌سال (۹۶-۹۷) شرکت و مقام چهارم را کسب کردم و در مسابقات (۹۷-۹۸) مقام دوم را کسب کردم و یک‌سال بعد توانستم (۹۸-۹۹) مقام سوم استان را کسب کنم. با این حساب که برای شطرنج وقت زیادی می‌گذاشتم، ولی درسم را هم می‌خواندم و هر دورا با هم پیگیری می‌کردم. امسال در مدارس تیزهوشان و نمونه‌دولتی شیراز با معدل ۱۹/۷۹ پذیرفته شدم. می‌توانم بگویم شطرنج در زندگی و درسم تأثیر بسیاری گذاشت.»

آرزوی سلامتی و سربلندی برای غزل جان و خانواده محترم طیبی منش داریم.

◀ مسعود شهبازی

فرزند اکبر شهبازی، از کارکنان منطقه استان فارس



آقا مسعود متولد ۱۳۸۱ است و در کلاس دوازدهم تجربی مشغول به تحصیل هستند. او از کودکی علاقه خاصی به ورزش داشته و همواره شوق یادگیری فنون ورزشی را در ذهنش پرورانیده است. مسعود نه تنها توانسته این آرزوهایش را واقعیت بخشد، بلکه فراتر هم رفته و حالا قهرمان استان فارس است. او در تیر ۱۳۹۷ در مسابقات رشته نانچیکو، مقام اول استان فارس و در شهریور ۱۳۹۸ با وزن ۶۸ کیلو جوانان در مسابقات رزمی، مقام اول استان فارس را کسب کرد. ضمن آرزوی موفقیت و بهروزی برای آقا مسعود و خانواده بزرگوار شهبازی، امید است در پرتو حمایت الهی در عرصه علم و دانش و ورزش، در مسیر موفقیت‌های بالاتری قرار گیرد.



برخورداری از حمایت اجتماعی و خانوادگی

رضا شاه بهاری
روان شناس و مشاور

ادراک شده و رویدادهای استرس‌زای زندگی با افسردگی نشان می‌دهد که میزان حمایت اجتماعی با نرخ افسردگی، همبستگی معکوسی را نشان می‌دهد. علاوه بر این، میزان حمایت اجتماعی در میان افراد افسرده، به طور معناداری در سطح پایین‌تر نسبت به افراد غیرافسرده قرار دارد. کسانی که از حمایت اجتماعی اندکی برخوردارند، بیش‌تر به افسردگی، بیماری روانی و ناتوانی مزمن دچار می‌شوند. روابط اجتماعی خوب، از پاسخ‌های سازش‌نا یافته به هنگام تنیدگی می‌کاهد. مداخله‌های در جهت حمایت اجتماعی، بازدهی پزشکی را در بیش‌تر جمعیت‌های در معرض خطر بهبود می‌بخشد. انسان به هنگام برخورد با شرایط دشوار زندگی، توانایی تفکر درست را از دست می‌دهد. از این رو برای تمرکز بر افکار یا بررسی تجربه، به دیگران نیازمند است. حمایت اجتماعی، نقش مهمی در کاهش عوارض جانبی مشکلات مهم و تأثیر مشکلات روزمره زندگی ایفا می‌کند. پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که افراد تحت حمایت اجتماعی، از مشکلات روزمره زندگی، کم‌تر تأثیر می‌پذیرند.

خودارزیابی «میزان برخورداری از حمایت اجتماعی و خانوادگی»

در ادامه، شما می‌توانید با ابزار پرسشنامه استاندارد ۲۳ سؤالی حمایت اجتماعی و خانوادگی، به ارزیابی میزان برخورداری از حمایت اجتماعی و خانوادگی خود مبادرت ورزید. این ابزار را در سال ۱۹۸۶ واکس و همکاران تدوین کرده‌اند. به طور کلی تست حمایت اجتماعی و خانوادگی واکس و همکاران (۱۹۸۶) سه مقیاس دارد که هر مقیاس

حمایت اجتماعی و خانوادگی مفهومی چندبعدی است که به اشکال و طرق مختلف تعریف شده است؛ برای مثال، می‌توان آن را به عنوان یک منبع فراهم‌شده توسط دیگران، به عنوان امکاناتی برای مقابله با استرس یا مبادله‌ای از منابع تعریف کرد. از سویی برخی از پژوهشگران، حمایت اجتماعی و خانوادگی را میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه و کمک از سوی افراد یا گروه‌های دیگر نظیر اعضای خانواده، دوستان و دیگران تعریف کرده‌اند. برخی حمایت اجتماعی را واقعیتی اجتماعی و برخی دیگر آن را ناشی از ادراک و تصور فرد می‌دانند. به بیان دقیق‌تر، حمایت اجتماعی و خانوادگی شامل مساعدت‌های عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی که دیگران آن را تأمین می‌کنند، تعریف شده است. کوب (۱۹۷۶) حمایت اجتماعی را به عنوان اطلاعاتی می‌داند که افراد را به باورکردن این مطلب می‌رساند که آن‌ها موردعلاقه اطرافیان، دوست‌داشتنی، قابل احترام و ارزشمند هستند. همچنین از محبت و مساعدت اعضای خانواده، دوستان و دیگر افراد برخوردار هستند. براساس رویکرد واکس و همکاران (۱۹۸۶)، حمایت اجتماعی و خانوادگی با مؤلفه‌های: ۱. میزان برخورداری از محبت ۲. مساعدت و توجه اعضای خانواده و ۳. مساعدت و توجه دوستان و دیگر افراد مشخص می‌شود.

پژوهش‌های متعددی ثابت کرده‌اند که هرچه میزان حمایت اجتماعی افزایش پیدا کند، سطح سلامتی نیز افزایش پیدا می‌کند و بالعکس. از این منظر، داشتن سلامتی در گرو داشتن یا میزان برخورداری از حمایت‌های اجتماعی است. بررسی ارتباط بین حمایت اجتماعی

بر خورداری از حمایت اجتماعی و خانوادگی محاسبه می‌شود. نمره بالاتر دال بر حمایت اجتماعی و خانوادگی بهتر است. بنابراین با توجه به ۲۳ سؤال براساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت، میانگین آزمون برای کل سؤالات برابر با ۶۹ است. لذا امتیاز بالای ۶۹، دال بر میزان برخورداری از حمایت اجتماعی و خانوادگی مطلوب است. همچنین در خصوص مقیاس هاس سه‌گانه، میانگین‌های آزمون برای مساعدت و توجه دوستان و دیگر افراد برابر با ۳۰، برای مساعدت و توجه اعضای خانواده برابر با ۲۴ و برای میزان برخورداری از محبت برابر با ۱۵ است.

- حاوی سؤال‌هایی است. این مقیاس‌ها عبارتند از:
۱. مساعدت و توجه دوستان و دیگر افراد (سؤالات ۱، ۳، ۶، ۸، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰ و ۲۳).
 ۲. مساعدت و توجه اعضای خانواده (سؤالات ۲، ۴، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۸ و ۲۲).
 ۳. میزان برخورداری از محبت (سؤالات ۵، ۱۲، ۱۴، ۱۷ و ۲۱).

◀ روش نمره‌گذاری

مجموع نمرات این سه مقیاس، به‌عنوان نمره کل

ردیف	سؤالات	کاملاً مخالفم	مخالفم	تاحدودی موافق	موافقم	کاملاً موافقم
۱	دوستانم به من احترام می‌گذارند.	۱	۲	۳	۴	۵
۲	خانواده‌ام مرا مورد مراقبت بسیار قرار می‌دهند.	۱	۲	۳	۴	۵
۳	دیگران برای من اهمیتی قایل نیستند.	۱	۲	۳	۴	۵
۴	خانواده‌ام برای من حرمت فراوانی قایل نیستند.	۱	۲	۳	۴	۵
۵	من خیلی محبوب هستم.	۱	۲	۳	۴	۵
۶	من می‌توانم به دوستانم تکیه کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۷	کاملاً مورد تحسین خانواده‌ام هستم.	۱	۲	۳	۴	۵
۸	دیگران به من اعتنا می‌کنند.	۱	۲	۳	۴	۵
۹	خانواده‌ام به من صمیمانه عشق می‌ورزند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۰	دوستانم نسبت به سعادت و بهروزی من اعتنایی ندارند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۱	اعضای خانواده‌ام به من متکی هستند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۲	من از اعتماد زیادی برخوردار هستم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۳	من نمی‌توانم به حمایت و مساعدت افراد خانواده متکی باشم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۴	مردم مرا تحسین و ستایش می‌کنند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۵	من احساس می‌کنم به دوستانم علاقه زیادی دارم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۶	دوستانم هوای مرا دارند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۷	دیگران برای من ارزش قایل هستند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۸	خانواده‌ام به من واقعاً احترام می‌گذارند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۹	رابطه من و دوستانم برایم بسیار مهم است.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۰	من خواهان دل بستگی به دیگران هستم.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۱	اگر فردا بمیرم، افراد کمی برایم احساس دلتنگی می‌کنند.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۲	احساس می‌کنم با اعضای خانواده‌ام نزدیک و صمیمی هستم.	۱	۲	۳	۴	۵
۲۳	من و دوستانم در روزهای دشوار و سخت، به درد هم می‌خوریم.	۱	۲	۳	۴	۵

پژوهشی طب و تزکیه، دوره ۲۴، شماره ۲، ص ۹-۱۸.
 -World Health Organization. (1998). Social Determinants of Health: The Solid Facts. Copenhagen, Denmark:WHO Regional Office for Europe.

منابع

- ابادری، فرخ، لکزابی، حسین، جهانی، یونس، منصوری، علی، صبوری، علیرضا (۱۳۹۴)؛ بررسی رابطه حمایت اجتماعی با سلامت روانی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان، فصلنامه علمی -



هنر و ریشه‌شناسی مفهومی آن

افشین تصدیقی

پژوهشگر هنر

واژه‌تخنه در زبان لاتینی به ars یا artus تبدیل می‌شود و تقریباً به همان معنا به کار می‌رود. واژه arth در فرانسه و art در انگلیسی و kunst در آلمانی ادامه همین جریان است و تمامی این واژگان از ریشه هند و اروپایی ar به معنای ساختن و به هم پیوستن و درست کردن به کار رفته است. هنرهای هفت‌گانه یونان و هنرهای آزاد رومیان، همه از معنای عام هنر تبعیت می‌کرده‌اند که نوعی دانش و فضیلت را دربرداشته است.

در قرن هجدهم art انگلیسی معنای تازه‌ای پیدا کرد و در نتیجه منجر به آن شد که هنرهای زیبا (useful arts) و هنرهای کاربردی (fine arts) از هم جدا شوند. به مرور زمان، کلمه fine arts از fine arts حذف شد و arts نیز به صورت مفرد به کار رفت و به art تبدیل شد.

جالب این‌جاست که ایرانیان برای «هنر» به معنای خاص، واژه صنعت معادل فن در زبان عربی را به کار می‌بردند و کمال‌الملک نام آکادمی هنری خود را مدرسه صنایع مستظرفه گذارده بود. در دوره پهلوی،

آنچه امروزه به معنای هنر به کار می‌رود، هنر به معنای خاص کلمه است که با ابداع سروکار پیدا می‌کند، نه هنر به معنای عام که عرفان، معرفت، فضیلت و عشق در زمره آن است. استعمال لفظ هنر به معنای امروزی آن در فرهنگ و ادبیات فارسی بی‌سابقه بوده است. حتی در دیگر سنت‌های فرهنگی در اقصی نقاط دنیا نیز این‌گونه بوده است. مثلاً در زبان‌های اروپایی: تخنه (tekhne) به یونانی معادل هنر در معنای عام است که عبارت است از نحوه‌ای از دانستن یا نوعی از دانایی که بر اساس آن، اثر هنری به معنای عام پیدا می‌شود.

این لفظ را یونانیان برای شعر، معماری، نقاشی، تاریخ، مجسمه‌سازی، حکومت، سخنوری و... به کار می‌گرفتند؛ زیرا همه این‌ها یک نحو عمل را دربرداشت؛ یعنی «کاری که به واسطه آن چیزی پدید می‌آید یا ناپیدایی پیدا می‌شود یا چیزی پدید می‌آید که قبلاً نبوده است. به این دانایی تخنه می‌گفتند که در مفهوم آن نوعی معرفت نهفته بود.»



حکمت عملی به معنی فرزانیگی آمده است و در اشعار فارسی نیز به معنی فضیلت استعمال شده است:
 آن بزرگی که به فضل و به هنر گشت بزرگ
 نشود بد، به بد گفتن بهمان و فلان
 در کتاب گران سنگ اوستا، هنر از صفات اهورامزدا به شمار رفت: «تو در پایان آفرینش با هنر خویش بدان را از نیکان باز خواهی شناخت.» به این معنا، هنر معادل با هر کمالی است که در مقابل مفهوم عیب و نقص قرار می‌گیرد:

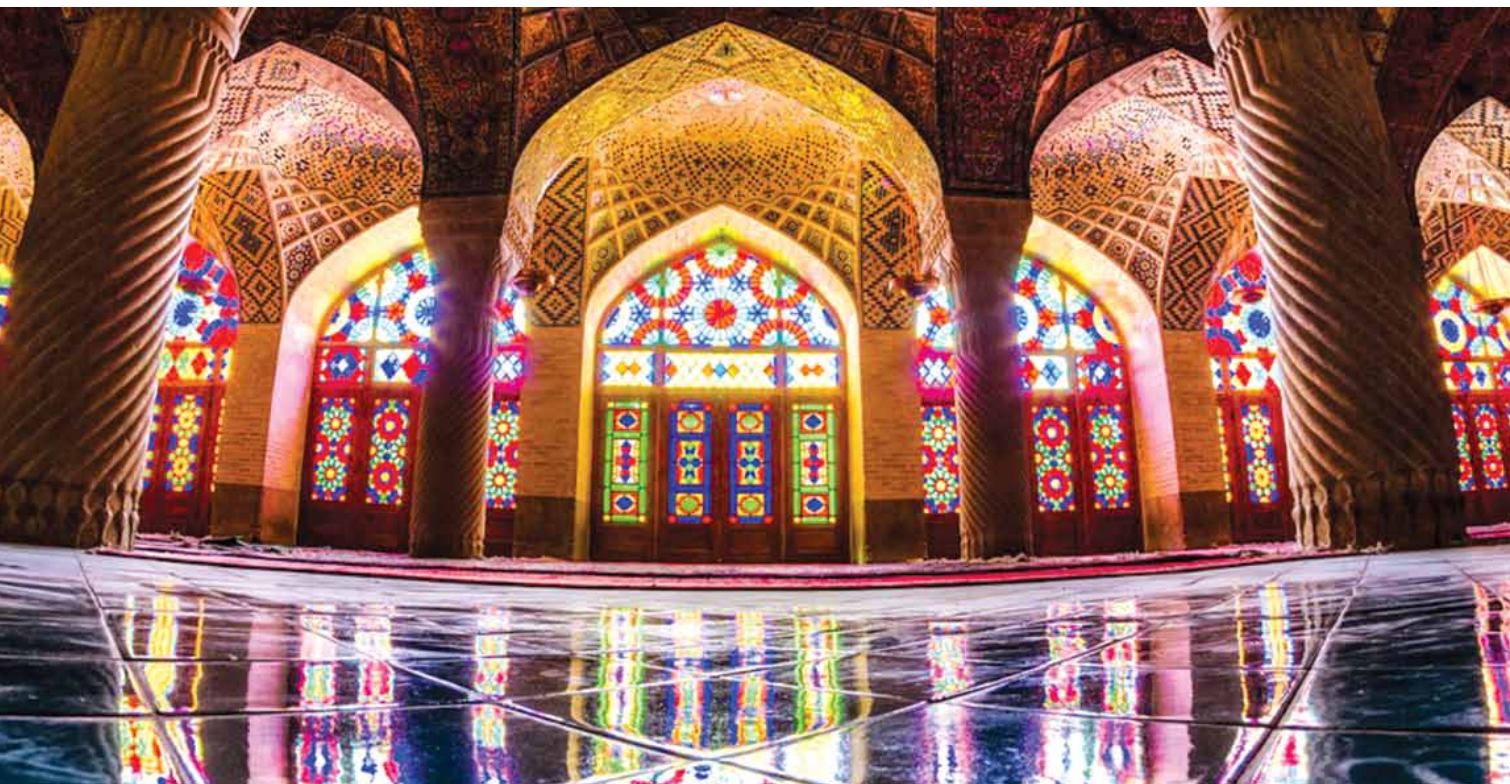
کمال سرّ محبت ببین نه نقص گناه
 که هر که بی هنر افتد نظر به عیب کند
 در همه چیزی هنر و عیب هست
 عیب مبین تا هنر آری به دست
 در معنای سالکانه و عرفان عملی، این هنر که به معنای فضیلت است، با تقوا و دانش و توکل همراه است:
 تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافرست
 راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش

این اصطلاح را فرهنگستان زبان تبدیل کرد به «دانشگاه هنرهای زیبا».

اصل و ریشه هنر در زبان فارسی به سانسکریت بازمی‌گردد و با لفظ sunar و sunara که در زبان اوستایی و پهلوی به صورت هونر و هونره تلفظ می‌شود، برابر است که سو، هم‌معنای هو به معنای خوب و نیک، و نر و نره به معنای مردی و زنی و در مجموع به معنای نیکمردی و نیک‌زنی است.

هنر به معنای نیکمردی و جوانمردی در ادبیات فارسی فراوان به کار رفته است:

روندگان طریقت به نیم‌جو نخرند
 قبای اطلس آن کس که از هنر عاریست
 یعنی اگر اهل جوانمردی و هنر نبودی، حتی اگر قبای اطلس داشته باشی، در نزد اهالی طریقت و معرفت جایی نداری.
 در زبان فارسی قدیم نیز «چهار هنران» به معنای فضایل چهارگانه افلاطونی شجاعت، عفت، عدالت و



از آن در این جا با تعبیر هنر یاد شده است، همواره دو جنبه داشته است: رزم ظاهر و رزم باطن. از رزم باطن در فرهنگ اسلامی به جهاد اکبر تعبیر شده است که منتسب است به روایتی از پیامبر اکرم (ص) که جهاد واقعی را نه جهاد اصغر یا جنگ بیرونی، بلکه جهاد اکبر و نبرد درونی برشمرده اند.

در فرهنگ ایرانی نیز این مفهوم به انحاء مختلف در افسانه‌ها و اسطوره‌ها و کتیبه‌ها و اسناد گذشتگان به کار رفته است. به عنوان مثال، در وصیت‌نامه داریوش کبیر هخامنشی، واقع در نقش رستم شیراز، داریوش شاه عنوان می‌کند که «من کسی بودم که در صحنه کارزار، علاوه بر این که با هر دو دست خود می‌جنگیدم، هوش و گوشم به کار سربازانم نیز بود و من کسی بودم که سخت بر نفس خود غلبه داشتم.» در این معنا، هنر معنایی کاملاً صوفیانه و عاشقانه به خود می‌گیرد و به یکی از عمیق‌ترین واژگان در فرهنگ ایرانیان و در اشعار عارفان، صوفیان، حکیمان و شاعران بزرگ تبدیل می‌شود.

پس در حقیقت هنر مساوی است با کمال انسانی که نمونه‌های فراوانی را در ادبیات شامل می‌شود:

رندی آموز و کرم کن که نه چندان هنر است
 حیوانی که ننوشد می و انسان نشود
 روز در کسب هنر کوش که می خوردن روز
 دل چون آینه در زنگ ظلام اندازد

در ادبیات فارسی هنر معانی رزمی، بزمی و عرفانی نیز دارد. مقصود فردوسی از این که هنر را منحصر به ایرانیان می‌کند، ظاهراً بی‌همتابودن آنان در جنگاوری است و به معنای شجاعت و دلیری آنان:

هنر نزد ایرانیان است و بس
 نگیرند شیر ژیان را به کس
 به دشمن نمایم هنر هر چه هست
 ز مردی و پیروزی و زور دست
 چنین داده پاسخ به اسفندیار
 که ای شیردل، پر هنر، نامدار...

اما باید توجه داشت که در فرهنگ ایرانی، رزم که



سالک راه حق می خواهد از سرزمین تن به سرزمین جان سفر کند، از ناسوت وجود به ملکوت و از مغرب وجود به مشرق وجود سفر کند. در این راه پُرخطر باید بر اژدهای درون یعنی نفس اماره غلبه کند؛ یعنی باید مجاهدت نفسانی به خرج بدهد. نفس انسانی به اعتبار این که ترکیبی از جسم مادی و روح الهی است هم واجد مراتب جسمانی یعنی مرتبه جمادی و نباتی و حیوانی است و هم واجد مرتبه الهی. مرتبه الهی نفس، نتیجه نفخه الهی در وجود انسان است که فرمود: «آن گاه که جسم انسان را سامان دادم، از روح خود در وجود او دمیدم. پس انسان به مانند نیم دایره است که نیمی از وجودش خاکی و به تعبیر قرآنی از گل سلاله است و به دنبال دایره کامل شدن و یافتن نور خداوند در وجود خودش است.»

در هنرهای اسلامی و ایرانی، دایره نماد خداوند و نیم دایره نماد انسانی است که در تکاپوی دایره شدن است. به عبارتی، هردو ساحت وجود انسان، خود انسان است. انسان در عبور از خود مادی و در این مجاهدت نفسانی، نمی تواند پیروز شود، مگر این که یک سلاح داشته باشد و این سلاح، عشق است؛ زیرا فقط عاشق پاکباخته می تواند در راه معشوق از خود بگذرد و همه وجودش استحاله در معشوق بشود. او با نیروی عشق و در اثر جذبۀ فروغ رخ دلدار ازلی، سرزمین اژدهای درون را درمی نوردد و به سرزمین معشوق یعنی مقام نفس مطمئنه قدم می گذارد.

به این معنا، هنر رزم در واقع هنر عشق است و بدین معنا به قاطعیت می توان گفت که ایران زمین سرزمین عاشق ترین و پاکباخته ترین هنرمندان بوده است و برترین هنر یعنی هنر عاشقی نزد ایرانیان است و پس هنر حقیقی، هنر عاشق شدن و به سمت حقیقت نیل کردن است.

حضرت لسان الغیب، ابیات شورانگیز فراوانی در توصیف این هنر متعالی ارائه کرده است:

طفیل هستی عشقند آدمی و پری
ارادتی بنما تا سعادت بیبری
بکوش خواجه و از عشق بی نصیب مباش
که بنده را نخرد کس به عیب بی هنری



همچنین می‌فرماید:

عشق می‌ورزم و امید که این فن شریف
چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود
ناصرم گفت که جز غم چه هنر دارد عشق
گفتم ای خواجه عاقل هنری بهتر ازین
حافظ می‌گوید این شعری که من می‌گویم، خون من
است که بارها در راه عشق خداوند ریخته است و من با
خون عاشق شعر می‌نویسم:

تیر عاشق کش ندانم بر دل حافظ که زد
آن قدر دانم که از شعر ترش خون می‌چکد
و برای تحقق وصال حق می‌باید که خاک پای عاشقان
و واصلان حق را سرمه چشم کرد:

گر در سرت هوای وصال است حافظا
باید که خاک درگاه اهل هنر شوی

عشق، انسان را از خود ناسوتی و صفات فانی وجود
می‌رهاند و او را در خود ملکوتی و الهی خویش مستقر
می‌کند که عرفا از این مقام به مقام فناء فی الله و قرب
الهی یاد می‌کنند؛ یعنی فنای صفات و شواغل جسمانی
در صفات و اسماء الهی که مرتبه‌ای در وجود خود انسان
است.

چنین مقامی به زعم مولانا، مقام بی‌غرضی است و

هنرمند عاشق تنها موجودی است در عالم که تنها غرض
او از نفس کشیدن حضور و وصال معشوق است، به مانند
یک ماهی که همه هستی او آب است:

چون غرض آمد هنر پوشیده شد
صد حجاب از دل به سوی دیده شد
بی‌غرض نبود به گردش در جهان
غیر جسم و غیر جان عاشقان

جان انسان عاشق با جوهر هستی و علت وجودی
آفرینش، یعنی عشق یکی می‌شود و این والاترین هنر
انسان است:

که مراد از همه جهان عشق است
جمله عالم تن است و جان عشق است.

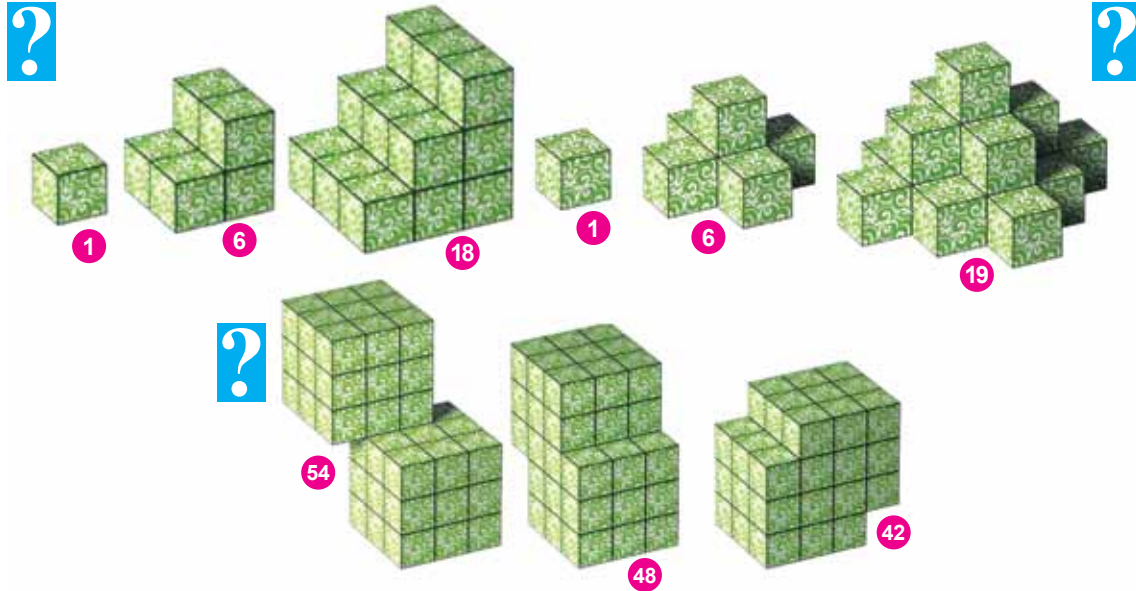
منابع

- اسکراتن، راجر. هاسپرس، جان (۱۳۹۳)؛ فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی، مترجم: یعقوب آژند، تهران، دانشگاه تهران.
- فتحی، فریدالدین (۱۳۹۶)؛ جزوه درسی فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی، گروه فلسفه هنر، تهران، دانشکده فرهنگ و هنر واحد ۱.
- اشعار سروده شده در این مقاله: حضرت حافظ، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، حکیم ابوالقاسم فردوسی.

مسابقه و چالش فکری

تهیه کننده: حمیرا کریمی واحد

هر کدام از سه شکل زیر دنباله مشخصی را دنبال می کند. به عنوان مثال، در حالت اول، یک مکعب با شش وجه وجود دارد که در حالت دوم به شش مکعب شش وجهی و در حالت سوم به ۱۸ مکعب شش وجهی افزایش پیدا کرده است.



درجه سختی: آسان | در حالت چهارم چند مکعب شش وجهی وجود خواهد داشت؟
 درجه سختی: متوسط | در حالت چهارم چند مکعب شش وجهی وجود خواهد داشت؟
 درجه سختی: دشوار | در حالت چهارم چند مکعب شش وجهی وجود خواهد داشت؟

** جواب چالش فکری شماره قبلی ماهنامه (شماره ۲):

جواب سؤال با درجه سختی آسان: گروه خونی O می تواند به تمامی گروه های خونی دیگر خون اهدا کند و گروه خونی AB از تعداد بیش تری گروه خونی، خون می گیرد.

جواب سؤال با درجه سختی متوسط: شش راه مطابق جدول زیر وجود دارد:

جواب سؤال با درجه سختی دشوار: دو گروه سه تایی به شرح زیر می توان نام برد:

O- to O+ to A+ to AB+	O- to A- to AB- to AB+
O- to O+ to B+ to AB+	O- to B- to B+ to AB+
O- to A- to A+ to AB+	O- to B- to AB- to AB+

توریسم و جاذبه‌های توریستی

- ◀ اسماعیل عامری سیاهویی
- ◀ نوید پیکران درخش ایسینی
- ◀ حمیرا کریمی واحد



● جزیره قشم

قشم، بزرگ‌ترین جزیره هرمزگان است و طبیعت شگفت‌انگیزی دارد؛ به همین دلیل طبیعتش را جزو عجایب هفتگانه می‌دانند. قشم، جزیره آب و آفتاب و خاکش مثل رنگین‌کمانی پر از رنگ است. این جا جایی است که جاهای دیدنی کم ندارد و به همین دلیل هم شاید فرصت دیدن همه‌اش را نداشته باشید، چون اغلب از هم دورند.



● جزیره کیش

کیش یکی از سرسبزترین جزایر خلیج فارس است که در دو دهه اخیر بیش از دو هزار هکتار از زمین‌های جزیره جنگل کاری شده است. بیش‌تر جاهای دیدنی جزیره کیش شگفت‌انگیز است که طبیعت در طی سال‌های طولانی آن را به وجود آورده و با دست بشر تغییراتی در آن ایجاد شده است. از جاهای گردشگری کیش سواحل ماسه‌ای، اسکله تفریحی، جاده کرانه، پیست دوچرخه‌سواری، شهر زیرزمینی کاریز، شهر باستانی حریره، کشتی یونانی، روستای باغو، ورزش‌های دریایی کیش، درخت لور، گذر هنرمندان، نخلستان باغ بهشت، پارک دلفین، بوستان آهوان، پایاب کیش، مجموعه آوای خلیج فارس، مجموعه آکواریوم، آب‌انبار، مجموعه ورزشی المپیک با انواع زمین‌های ورزشی فوتبال، تنیس، استخر، والیبال، بسکتبال، شطرنج، اسکواش، بیلارد، بولینگ و ده‌ها مکان دیدنی دیگر می‌توان یاد کرد.

■ موقعیت جغرافیایی

این جزیره از شمال به شهر بندرعباس، مرکز بخش خمیر و قسمتی از شهرستان بندرلنگه، از شمال شرقی به جزیره هرمز، از شرق به جزیره لارک، از جنوب به جزیره هنگام و از جنوب غربی به جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی محدود می‌شود. جذاب‌ترین جاهای دیدنی قشم که نباید بدون دیدن آن‌ها جزیره را ترک کرد، عبارتند از: دره ستارگان، بندر لافت، جنگل‌های حرا، تنگه چاهکوه، دره تندیس‌ها و جزیره ناز. قدیمی‌ترین چاه‌های طلای ایران در بندر لافت جزیره قشم، همچنین خاص‌ترین غار نمکی جهان در جزیره قشم قرار دارد.

■ موقعیت جغرافیایی

جزیره کیش جزیره‌ای بیضی‌شکل با محیط ۴۴

کیلومتر است. طولی در حدود ۱۵/۴۵ کیلومتر و عرضی حدود ۷/۵ کیلومتر و مساحتی معادل ۹۰ کیلومتر مربع دارد. ارتفاع بلندترین منطقه این جزیره، حدود ۳۵ متر از سطح دریاست. همچنین جزیره کیش رودخانه دائمی ندارد و تعداد زیادی منابع آب شیرین زیرزمینی دارد. مسافت بین کیش تا تهران از راه هوایی ۱۰۵۲ کیلومتر، تا بندرعباس ۲۵۰ کیلومتر، تا بندر لنگه ۹۰ کیلومتر و تا جزیره هندورابی ۲۸ کیلومتر است. نزدیکترین بندر ایران به جزیره کیش، بندر آفتاب است که با این جزیره ۱۳ کیلومتر فاصله دارد.



● خرسین

بکرترین غار نمکی در هرمزگان

غار خرسین در بخش سیاهو، روستای درگز در شمال شرقی بندرعباس و در فاصله ۸۰ کیلومتری مرکز استان هرمزگان واقع شده است. در خرسین، قندیل‌های نمکی متعددی می‌بینیم که جزو جدانشدنی این غار زیبا و بکر هستند. جریان آب شوری در غار وجود دارد که در فصل زمستان و بارش‌های شدید، سرعت نسبتاً زیادی به سمت خارج غار دارد. این منطقه به دلیل دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فرد خود در مقایسه با دیگر گنبد‌های

نمکی موجود در استان، چشم‌اندازهای منحصر به فرد، به خصوص آبشار نمکی، قندیل‌های متنوع با ستون‌های عظیم نمکی دارد.

به منظور بازدید از غار خرسین در هرمزگان بهتر است که اوایل فصل بهار و تابستان که میزان بارندگی کم‌تر است، برنامه سفرتان را بچینید. البته که هوا گرم است، اما اگر می‌خواهید بهتر از غار دیدن کنید، این زمان مناسب‌تر است؛ چراکه زمانی که باران می‌بارد، به علت ریزشی و ناپایدار بودن دیواره‌های غار و به طور کلی محیط این کوه، بازدید از غار در فصل‌هایی که با بارش شدید همراه است، به هیچ‌وجه توصیه نمی‌شود. از آن‌جا که آب آشامیدنی در داخل و همچنین در نزدیکی غار در دسترس نیست، باید از قبل پیش‌بینی‌های لازم به عمل آید و نکات ایمنی را در خصوص غارها رعایت کرد.

در تمام مسیری که از غار خرسین در هرمزگان طی خواهید کرد، قندیل‌ها و گنبد‌های نمکی وجود دارد که در میانه غار آبشار نمکی به ارتفاع ۱۲ متر نیز قابل رؤیت است. در قسمت‌هایی از مسیر شیب زیاد و پوشیده بودن مسیر از نمک با جریان داشتن آب از زیر پوشش نمکی، پیشروی را قدری مشکل می‌کند.



● جزیره هرمز

هرمز جزیره‌ای بیضی‌شکل و گنبدی نمکی در خلیج فارس است و در ۱۶ کیلومتری بندرعباس واقع شده است. این جزیره را به علت موقعیت جغرافیایی آن و مجاورت با تنگه هرمز، کلید خلیج فارس می‌دانند. همین موقعیت است که آن را در طول تاریخ، از نظر راهبردی و بازرگانی از اهمیت خاصی برخوردار ساخته است. سطح جزیره هرمز را طبقات رسوبی و آتشفشانی تشکیل داده است.

به طلوع قرض الحسنه شاهد خوش آمدید

◀ صندوق قرض الحسنه شاهد



■ در نوشته‌های خود نوآوری داشته باشید. از زوایای گوناگون به موضوع‌ها نگاه کنید.

■ همه حواس خود را در نوشتن به کار بگیرید. تنها از حس بینایی کمک نگیرید.

■ سعی کنید به همه سوالات داده شده جواب دهید. نقاشی‌ها را جا نیندازید.

پس از کامل شدن دفترچه لطفاً آنرا تا پایان آذرماه ماه از طریق «صندوق» به دست ما برسانید. پس از ارزشیابی، آثار برگزیده ضمن چاپ در ماهنامه خبری «طلوع حسنه شاهد» به صورت کتاب مستقل نیز منتشر خواهد شد. علاوه بر آن به صاحبان نوشته‌های برتر، هدایایی تعلق می‌گیرد که طی مراسمی تقدیم آنان خواهد شد. برای اطلاع از نوع جوایز به کانال و سایت صندوق قرض الحسنه شاهد مراجعه فرمایید:

@sandoq_shahed

www.sandoq_shahed.ir

این نکته هم اضافه شود که داوری آثار بر اساس میزان مشارکت همه اعضای خانواده و سایر معیارهای موثر در ارزشیابی که در پایان دفترچه به آن اشاره شده، صورت می‌گیرد.

صندوق قرض الحسنه شاهد به منظور بهره‌وری از اوقات فراغت خانواده کارکنان صندوق و ایجاد فضایی مناسب برای تعامل خانوادگی دفترچه حاضر را تهیه کرده است تا ضمن توجه به اطراف و تفکر در آنها از طریق پرورش حواس، مهارت نویسندگی و ارتباط با دیگران بیشتر فراهم شود.

موضوعات مورد اشاره در این دفترچه، اغلب از محیط زندگی گرفته شده و به گونه‌ای طراحی شده‌اند که همه اعضای خانواده بتوانند در آن شرکت کنند. توصیه بر این است که دفترچه جمعی تکمیل شود تا توانایی‌های اعضای خانواده در آن بروز پیدا کند.

پیشنهاد می‌کنیم پاسخ‌هایتان را ابتدا روی برگه‌های پیش نویس یادداشت کنید و بعد از مدتی آنها را در این دفترچه بنویسید. بنابراین ابتدا هر چه به قلب‌تان رسید و دوست داشتید به قلم آورید. بعد بگذارید گذشت زمان آنها را پخته‌تر کند و با اصلاح کلمه‌ها و جمله‌ها «دفترچه» را با توجه به نکات زیر کامل کنید و برای ما بفرستید:

■ تمیز و خوانا نوشته و سپس پاک‌نویس کنید.

■ سعی کنید همه افراد خانواده را در این برنامه مشارکت دهید.



شوق خدمت‌رسانی با عزت افتخار ماست

تلفن
۶۶۴۸۰۵۲۵ ، ۶۶۴۸۰۵۲۳
داخلی: ۱۵۱ و ۱۵۲
دورنگار
۶۶۴۶۷۵۲۹
tuloehasanehshahed@gmail.com
@tuloehasanehshahed
۶۶۹۵۹۰۱۸-۱۹

نشانی
تهران، خیابان طالقانی
بین خیابان حافظ و خیابان ولیعصر
روبروی هتل انقلاب
بن‌بست خوشبختی
صندوق قرض الحسنه شاهد
کدپستی
۱۵۹۱۸۱۴۹۵۱

صندوق قرض الحسنه شاهد



طلوع حسنه شاهد

صندوق قرض الحسنه شاهد به منظور بهره‌وری از اوقات فراغت خانواده کارکنان صندوق و ایجاد فضایی مناسب برای تعامل خانوادگی دفترچه حاضر را تهیه کرده است. تلاش بر این است تا از طریق انجام تمرین‌ها مهارت نویسندگی تقویت شود، حواس پرورش یابد و ارتباط با دیگران بیشتر شود.

موضوع‌ها همه از محیط زندگی گرفته شده؛ به گونه‌ای طراحی شده‌اند که همه اعضای خانواده بتوانند در آن شرکت کنند.



برترین های دانش آموزی

فاطمه سادات سیدی

نام پدر: سیدجعفر

پایه: دهم

معدل: ۲۰

استان: قم



نسیم جعفری

نام پدر: احد

پایه: هشتم

معدل: ۲۰

استان: اردبیل



نگار اکبری

نام پدر: احمدرضا

پایه: یازدهم رشته ریاضی فیزیک

معدل: ۱۹/۷۳

استان: تهران، منطقه ۴



نوید رضایی لیواری

نام پدر: محمدرضا

پایه: دهم

معدل: ۲۰

استان: البرز



سید شهاب‌الدین مولوی

نام پدر: مهرداد

پایه: پنجم

معدل: عالی

استان: تهران

